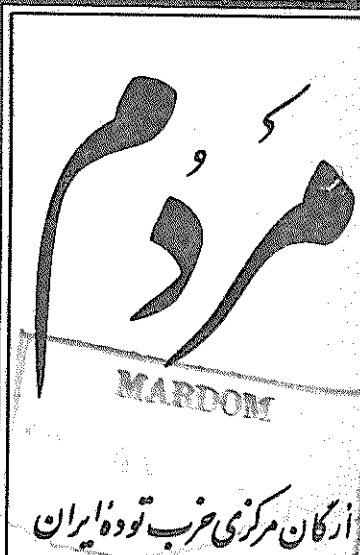


آری، پشتیبانی می کنیم...

حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و بی گبر خود، از موضع گیری قاطع ضد امپریالیستی امام خمینی پشتیبانی میکند
در صفحه ۲



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۰
دوشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

روزی که اتحاد نیروهای خلق توطئه فتنگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد سی ام تیر ماه ۱۳۳۱
در صفحه ۲

طب ملی

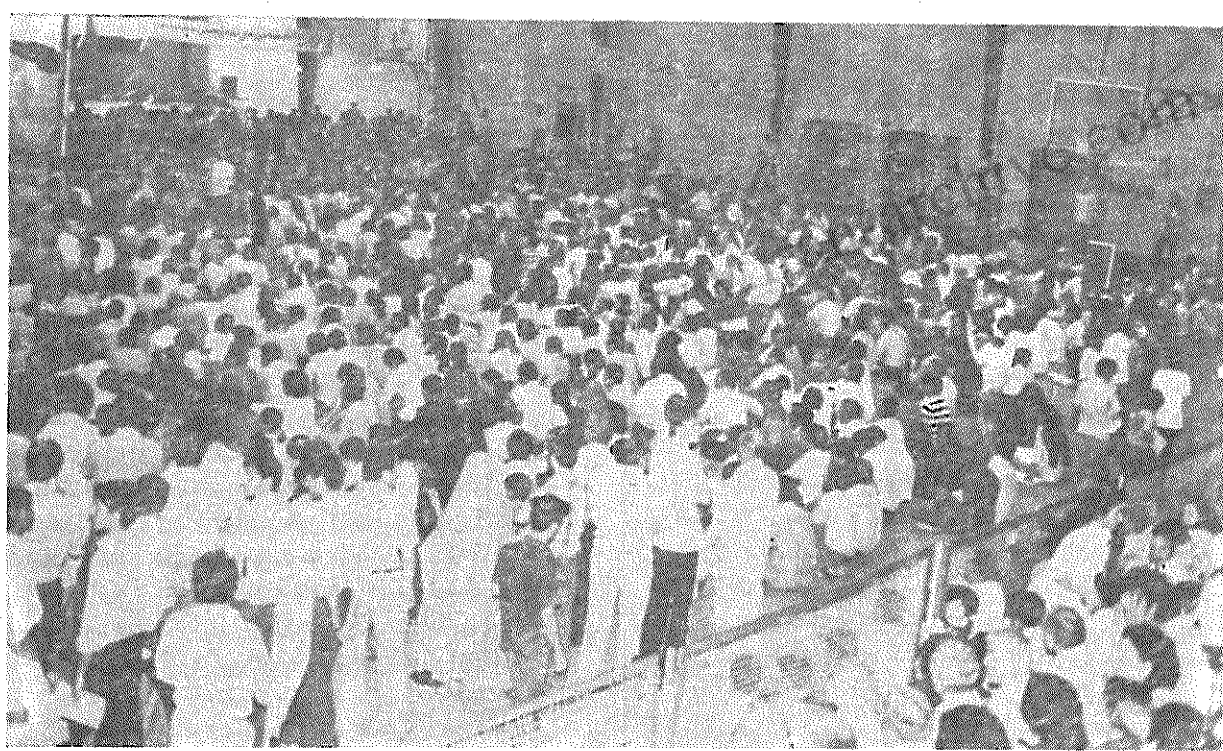
طب ملی چیست؟ برای اجرای آن چه راهی باید پیمود؟
قبل از هر چیز باید مفهوم «طب ملی» را بدستی تعریف کرد. رژیم منقور پهلوی در این زمینه هم ناسامانی و هرج و مرج و اغتشاش فکری ایجاد کرده بود و ارتبه شومی را از خود بقیه در صفحه ۵

اطلاعیه

دیبر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تظاهرات سه شنبه
در صفحه ۷

مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قدوه در دانشگاه صنعتی برگزار شد

رزمنده، نمی میرد



گوشه ای از مراسم بزرگداشت رفیق فقید محمدرضا قدوه در صفحه ۷

باتوطئه ضد انقلاب در خوزستان باید با هشیاری و قاطعیت روبرو شویم

خبرهایی که از خوزستان میرسد حاکی از وضع بغرنج و خطرناکی است که نباید آنرا دست کم گرفت، زیرا مستقیماً عواقب آن دامنگیر انقلاب ما خواهد شد. انفجار مکرر لوله های نفت بمنظور قطع صدور آن و بویژه قطع تصفیه آن در بالایشگاه و ایجاد کمبود سوخت، ایجاد حریق با بعدی که گاه بیش از شش ساعت برای اطفاء آنها وقت لازم بود، منفجر کردن پلها، برای قطع ارتباطات و ایجاد محیط ناامن و رعب انگیز، ادامه تیراندازیهای شدید و درگیریها دائمی، که حکایت از یک وضع متشنج مزمین میکند، از کار انداختن

پهلهای آب کنار رودخانه کارون توسط متنفذین و ثروتمندانیکه دل خونی از انقلاب دارند، ادامه کشت و کشتار و تظاهرات خصمانه، ضمن سوء استفاده از احساسات ملی و بجان هم انداختن عرب و عجم سوء استفاده از وضع بد زندگی اعراب، که برآستی هم در شرایط بکلی غیر انسانی - ارت رژیم شاه مخلوع زندگی میکنند، برای تحریک آنها، سوء استفاده از همین دوستی و علاقه به تمامیت ارضی برای تحریک فارسیها، ضمن برخ کشیدن اقدامات مداخله گرانه مقامات عراقی، حملات مسلحانه مزمین میکند، از کار انداختن

بقیه در صفحه ۴

وضع بلوچستان مایه نگرانی است

در بلوچستان ایران ضد انقلاب در کار تدارك است. فتودالها، خانها و رؤسای عشائری، عوامل سیا و اینتلجینس سرریس و ساواک و مویساد، عواملی از برخی کشورهای عربی در تلاش و تکاپو هستند تا برای شورشی مسلحانه، زیر عنوان «بلوچستان آزاد»، زمینه سازی کنند. موتورهای لنج، حامل اسلحه قاچاق، از عمان و بویژه از مسقط حرکت میکنند و بار خود را به قاچاقچیان شناخته ای نظیر عبدالرسول و علم مبارکی، در کرانه های ایران تحویل میدهند. کوشش میشود که این اسلحه ساخت شوروی، باشد، تا ضمناً با اصطلاح «مدرکی» هم در دست توطئه گران

برای ایراد اتهام بر اتحاد شوروی ارائه شود (این همان سلاحهای است که اسرائیل از ارتش مصر بقیمت گرفته است). قاچاقچیان حرفه ای، اسلحه ای را که تحویل میکنند، به قیمت خیلی ارزان به خانها و افراد طوائف آنها میفروشند. علاوه بر ورود مداوم اسلحه قاچاق، در توزیع اسلحه عوامل مشکوک نیز کمک میکنند. مثلاً گفته میشود که فرمانده زاندارمری ایران شهر بین در طائفه سرکش اسلحه تقسیم کرده، باین بهانه که آنها را «راضی» کند تا بر زاندارمری حمله نکنند. همزمان با توزیع اسلحه، ارتباطاتی برای «یک کله» کردن بقیه در صفحه ۴

لایحه جدید مطبوعات گامی است بجای ولی هنوز بازتاب کامل روح انقلاب نیست

که باشعور انقلاب بزرگ ایران ناسازگار بوده، حذف یا اصلاح شده و این خود گامی است بجای، اما هنوز در این لایحه مواد هست که نمی تواند مورد ایراد قرار نگیرد. ماکه به روش وزارت ارشاد ملی در مورد چگونگی تدوین لایحه مطبوعات معترضیم، بر حسب وظیفه ملی خود، مواد قابل ایراد «لایحه اصلاح شده» را در زیر توضیح میدهم:

۲۵۵۰ بند ۳ - در این بند همان ابهام پیشین در مورد کسانی که بعلت داشتن محکومیت کیفری از انتشار روزنامه و مجله معنوع هستند، بجای خود باقی است. این محکومیت کیفری به حکم و به موجب کدام قانون تعیین شده؟ یکی دوتانیست تعداد کسانی که قوانین رژیم پهلوی آنها را بعلت معتقدات و افکار سیاسی وضد رژیم وضد دستگاه سلطنتی از حقوق اجتماعی محروم کرده، که با واژگون شدن اساس سلطنت، تمام آثار مترتب از قوانین آن زمان در تمام مواردی که مربوط به افکار سیاسی و آزادینخواهانه است، بطور تبعی اعتبار خود را از دست داده اند. نحوه فورمول بندی این بند و مسکوت گذاردن مواد قانونی حاکم بر موضوع، اشکالی را که پیش از این نیز بدان اشاره شده، مرتفع نمیسازد. نظیر همین اشکال بقیه در صفحه ۶

متن «لایحه پیشنهادی قانون مطبوعات» در جلساتی که نمایندگان مطبوعات و اکثر احزاب و سازمانهای مترقی در آن شرکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت و یک بار دیگر برای نظر خواهی منتشر شد.

هنگامیکه لایحه مطبوعات از طرف وزارت ارشاد ملی انتشار یافت، روزنامه مردم نظر اصولی حزب توده ایران را در این زمینه منتشر ساخت و متذکر شد که این لایحه دارای نقائص جدی است و باشعور انقلاب بزرگ ایران بطور بنیادی ناسازگار است. ما نمیدانیم عکس العمل وزارت ارشاد ملی در برابر انتقادات روزنامه مردم، و بطور کلی انتقادات مجموعه مطبوعات چگونه بوده است؛ ولی تشکیل جلسه برای بررسی این لایحه، بدون دعوت نمایندگان مطبوعات، این توهم و فکرائی را در ما و بطور کلی جامعه مطبوعات برانگیخت که امکان گرفتن یک تصمیم نادرست و زیان بخش برای بستن دست مطبوعات از طریق تصویب قانون شد دمکراتیک منتفی نیست.

انتشار «متن اصلاح شده» لایحه مطبوعات نشان داد که فکرائی ما بیهوده نبوده است. هر چند در لایحه جدید، مواد متعددی

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

روزی که اتحاد نیروهای خلق، توطئه ننگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد سی ام تیر ۱۳۳۱

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ نمایش عظیم و جانباخته مردم به دفاع از حکومت ملی دکتر مصدق که در سازماندهی آن حزب توده ایران سهم مهمی داشت، توطئه ننگین مشترک امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و دربار خائن پهلوی را درهم شکاند، حکومت دست نشانده قوام السلطنه را به استعفا وادار ساخت و شاه را مجبور کرد باردیکی دکتر محمد مصدق، رجل میهن پرست و رهبر جنبش ملی کردن صنایع نفت را، مأمور تشکیل کابینه کند. این روز در تاریخ مبارزات مردم ایران، روزی است بزرگ که جاودانه خواهد درخشید.

از جهت ظاهر امر، سیر حوادث بدین شکل بود که شاه مخلوع، محمدرضا پهلوی، پیشنهاد بجا و قانونی دکتر محمد مصدق را درباره واگذاری وزارت جنگ بدولت، با وقاحت ذاتی خویش رد کرد. سلسله پهلوی همیشه اصرار داشت که ارتش را مانند قرقچاق خاص در دست خود نگاه دارد و آنرا وثیقه حفاظت امیازات فرعون خاندان راجن واربابان امپریالیستی خویش سازد، دکتر مصدق در قبال این گستاخی قانون شکنانه محمدرضا پهلوی، معتزلسانه استعفا داد و پدیرفت واحد قوام، کهنه جاسوسی امپریالیسم را مأمور تشکیل کابینه ساخت.

احمد قوام با اعلام «کشتیای راسیستی دگر آمد» مهم قدرت را در دست گرفت و با اتخاذ لحن عقاب و خطاب، در صدمه مرعوب ساختن مردم و سرکوب جنبش برآمد. در قبال این وضع، حزب توده ایران، جبهه ملی و دیگر نیروهای ملی دست به تظاهرات وسیعی زدند که در تاریخ کشور ما تا آندوران کم سابقه بود.

آنچه که خیمه بر چست این تظاهر عظیم است، آنست که علیرغم تلاش های همه روزه تفرقه انگنان حرفه ای (از قبیل مظفر بقایی، خلیل ملکی و دیگران) توده های و مصدقی ها برای نخستین بار در کنار هم عمل کردند، همراه هم دست به مبارزه زدند، با هم خون خود را نثار راه استقلال و آزادی ایران ساختند، با هم به نظر مندی رسیدند و با هم در این پیروزی شادی کردند.

شاه دژخیم به ارتش دستور تیراندازی و کشتار وسیع داد تا تظاهرات خلق سرکوب شود و اراده شوم استعمار طلبان آمریکا و انگلیس و دربار فائق گردد. شایان یادآوری است که این

تعمین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. همچنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مشروب شدند. نمایش عظیم و متحد سی ام تیر اثرات خویش را بخشید، حکومت قوام مجبور به استعفا شد. توطئه باشکست رو بر گردید. اتحاد خلق به پیروزی رسید. مصدق باردیکی در میان شادی و خرسندی عمومی قدرت را بدست گرفت.

اهمیت تاریخی این حادثه در آن است که امروز نیز درس بزرگ سی ام تیر فعلیت و حاد بودن خود را کماکان حفظ کرده است. اکنون ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم آمریکا و چاکر سرنگون شده اش شاه مخلوع و به انکاء عمل رنگارنگ راست و چپ نما در صدد هستند انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را عقیم سازند. آنچه که امروز مطرح است، از جهت برد و بعد تاریخش، به مراتب از آنچه روز سی ام تیر ۱۳۳۱ مطرح بود، بزرگتر است. انقلاب ایران یکی از رویدادهای شگرف تاریخ معاصر بشری است. و پیروزی یا عدم پیروزی آن دارای دامنه بین المللی است.

تنها و تنها راه شکست قطعی و نهایی ضد انقلاب، که دمیدم پر خاشجوتر می شود در گستره های مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، و فرهنگی سنگر بندی و موضع یابی می کند و با دست زدن به آدم کشی، خرابکاری، آتش سوزی، تر کاندن لوله های نفت، تحریک موزیانه احساسات ملی، تشویق کسوف مغزها، ایجاد روحیه هراس و تردید، تفتین بین نیروها، ایجاد اشتفتگی اقتصادی در تولید و توزیع

جریان پس از انجام بست و بند بین شرکت های آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی نفت انجام گرفت و زمانی بود که امپریالیسم آمریکا، که تا مدتی مزورانه از تضادها برای تسلط بر نفت ایران استفاده میکرد، تماماً در موضع سرنگون ساختن حکومت ملی دکتر مصدق قرار گرفت.

نکته قابل توجه در جریان سی ام تیر، صرف نظر از اتحاد بی نظیر توده ها، بروز تزلزل در ارتش بود. برخی از افسران ارتش بر صحت دستور دربار برای کشتار مردم تردید کردند و از تیراندازی خودداری ورزیدند. با اینحال، گرفت، جمع کثیری از نمایش دهندگان توده ای و مصدقی و دیگر افراد میهن پرست در خون خود غلطیدند.

تعمین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. همچنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مشروب شدند.

نمایش عظیم و متحد سی ام تیر اثرات خویش را بخشید، حکومت قوام مجبور به استعفا شد. توطئه باشکست رو بر گردید. اتحاد خلق به پیروزی رسید. مصدق باردیکی در میان شادی و خرسندی عمومی قدرت را بدست گرفت.

اهمیت تاریخی این حادثه در آن است که امروز نیز درس بزرگ سی ام تیر فعلیت و حاد بودن خود را کماکان حفظ کرده است. اکنون ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم آمریکا و چاکر سرنگون شده اش شاه مخلوع و به انکاء عمل رنگارنگ راست و چپ نما در صدد هستند انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را عقیم سازند. آنچه که امروز مطرح است، از جهت برد و بعد تاریخش، به مراتب از آنچه روز سی ام تیر ۱۳۳۱ مطرح بود، بزرگتر است. انقلاب ایران یکی از رویدادهای شگرف تاریخ معاصر بشری است. و پیروزی یا عدم پیروزی آن دارای دامنه بین المللی است.

تنها و تنها راه شکست قطعی و نهایی ضد انقلاب، که دمیدم پر خاشجوتر می شود در گستره های مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، و فرهنگی سنگر بندی و موضع یابی می کند و با دست زدن به آدم کشی، خرابکاری، آتش سوزی، تر کاندن لوله های نفت، تحریک موزیانه احساسات ملی، تشویق کسوف مغزها، ایجاد روحیه هراس و تردید، تفتین بین نیروها، ایجاد اشتفتگی اقتصادی در تولید و توزیع

تعمین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. همچنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مشروب شدند.

تعمین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. همچنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مشروب شدند.

آری، پشتیبانی میکنیم...

پس از اینکه مدتی از «چپ» و راست نسبت «فرصت طلبی» به حزب ما داده شد و در عمل این اتهام، در برابر استواری حزب در موضع گیری اصولی ضد امپریالیستی، رنگ باخت، و پس از اینکه بدنبال اتهام «فرصت طلبی»، طعنه «دنباله روی» به حزب ما زده شد و در عمل معلوم گردید که این طعنه نیز آلوده به غرض ضدیت با حزب است و در نتیجه در بین مردم بی اثر شد، اینک در این اواخر «دلسوزی» بحال حزب ما آغاز شده است!

افرادی که غالباً با حزب ما اساساً مخالفند، ناگهان برای حزب ما «دلسوز» شده اند. با چهره ای «متأثر» سر می جنبانند و میگویند: شما، نمیگوییم، دنباله روی میکنید، ولی در پشتیبانی از امام «زیاده روی» میکنید! برای رعایت انصاف بایست افزود که این «دلسوزی» به برخی دوستان حزب نیز سرایت کرده است و به همین دلیل لازم دانستیم سخنی چند در این باره بیان داریم. یعنی روی سخن ما بیشتر با این دوستان است تا با آن مخالفان، زیرا دوستان از این بی غرضند و در اشتباه و مخالفت از موضع مخالفت هر روز شیوه ای بکار می بندند.

آری، ما از امام پشتیبانی میکنیم، از مشی قاطع و آشتی ناپذیر امام در مبارزه بر ضد امپریالیسم عموماً و بر ضد امپریالیسم آمریکا خصوصاً پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه لزوم مبارزه قاطع با بازمانده نفوذ امپریالیسم در ایران پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه ضرورت ریشه کن کردن ضد انقلاب پشتیبانی میکنیم، از نظریات امام در زمینه مخالفت با هر نوع اختناق، در زمینه ضرورت رعایت اصول انسانیت و عدالت و آزادیها پشتیبانی میکنیم.

مشی اصولی و سیاست بنیادی حزب در این زمینه های مهم، بویژه در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، با نظریات قاطع و پیگیر امام انطباق دارد و بنابراین ما از امام که پشتیبانی میکنیم از سیاست خودمان دفاع کرده ایم، و وقتی راه خود را پیگیری کنیم، از امام پشتیبانی کرده ایم.

اگر منظور از «زیاده روی» اینست که ما در مطبوعات خود پیوسته بر لزوم گشودن آتش توپخانه سنگین انقلاب بر ضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، که دشمن اصلی و آشتی ناپذیر خلق ماست، تکیه میکنیم، ما این «زیاده روی» را ادامه خواهیم داد، زیرا ما وظیفه خود میدانیم که بقدر توان خود، قدرت رزمنده توده ها را برای ریشه کن ساختن نفوذ این دشمن اصلی در تمام عرصه های زندگی در ایران بسیج کنیم. اگر منظور از «زیاده روی» اینست که ما بر گفته های امام در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی، در زمینه دفاع از انقلاب ایران، در زمینه حمایت از زحمتکشان تکیه میکنیم، ما این «زیاده روی» نیز ادامه خواهیم داد، زیرا امام رهبر انقلاب ایران است، سخنان ایشان در میان توده ها نافذ است و بنابراین تکرار و تکیه بر این سخنان، باز هم کمکی است بهمان بسیج توده ها برای مبارزه قاطع و پیگیر بر ضد امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا، برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب.

بعلاوه باید افزود که ما، بین مذهبی و غیر مذهبی مرز نمی کشیم، ما بین انقلابی و ضد انقلابی مرز نمی کشیم و بنابراین طبعاً ما در همان جبهه ای قرار میگیریم که مذهبی ها و غیر مذهبی های انقلابی، ضد امپریالیست، استقلال طلب، آزاد بخواه و مترقی قرار دارند و طبعاً در برابر آن غیر مذهبی ها و نیز مذهبی های ضد انقلابی و مرتجعیتی قرار میگیریم، که بگفته امام «بدتر از ساواکی اند».

پس ما همانطور که فرصت طلب نبوده ایم و دنباله رو هم نبوده ایم، زیاده روی هم نمیکنیم. تنها کاری که میکنیم با فشاری در جهت اتحاد عمل بر ضد امپریالیسم، برای رهایی ایران از اسارت و ظلم، برای تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم است. اینرا دوستان حزب ما باید بداندند. مخالفان خود دانند، آنها هر چه دل تنگشان میخواهد بگویند. ما به مشی اصولی خود، بی وقفه و بدون انحراف، ادامه خواهیم داد.

هشیاری نشان دهیم. که مشی انقلابی و خلقی رهبری انقلاب ایران را در همه تجلیات مردمی آن مورد پشتیبانی قرار دهیم. ما از حوادث دیر روز نه تنها به خاطر عظمت آن، بلکه به خاطر امروز و فردای میهنمان یاد میکنیم، نه تنها خاطر شهیدان سی ام تیر و یاد دکتر محمد مصدق رئیس دولت ملی کشورمان را تجلیل می کنیم، بلکه از همه جانبازان طریق پرافتخار استقلال و دمکراسی درس می آموزیم و می کوشیم بیرون راه آنها باشیم.

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

● که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

● که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

● که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب

ما، در این لحظات تاریخی، باید آوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم.

بقیه از صفحه ۱

باتوطئه ضد انقلاب در خوزستان...

عرب و خود مختاری یا دفاع از تمامیت ارضی و حفظ نیا خاک است، نخواهند افتاد و خواهند دانست که هر عمل پسر و صدائی، نظیر انفجار پل و آتش زدن لوله های نفت و تیراندازی مداوم و اعلامیه های خشن و اتهامات ناروشن، هرگز يك عمل انقلابی نیست، هر چند که گاه با چپ روترین و انقلابی نما ترین عبارت بردازی همراه باشد.

مردم ایران بحق نگران اوضاع متشنج خوزستان هستند. در این منطقه از خواستهای حقه مردم در زمینه زندگی روزانه و حقوق ملی، که بدون تردید خواستهای درستی است و باید برآورده شود، بوضوح و با گستاخی سوء استفاده میشود. عناصر بناواکی و بقایای رژیم مخلوع بشدت مشغول کارند و گروه ها و دسته ها، اقوام و ملیت ها را بجان یکدیگر میاندازند. آب را گل آلود میکنند و منتظر ماهی نشسته اند. قلاب آنها خطرناک است و تاکنون تعداد قربانیان نقشه های آنان و توطئه های خونینی که چیده اند، کم نبوده است.

رادبو لندن، که تفسیرش را روزنامه کیهان چاپ کرده، علناً اظهار خوشحالی میکند که بر خورد های مسلحانه شدیدی در خرمشهر روی داده و از اینکه طی تظاهرات اخیر برجهای سیاه حمل و برکناری در یادار مدنی، استادان خوزستان خواسته همیشه و گروهی بنام «چهارشنبه سیاه» مسئولیت حملات اخیر را بعهده گرفته به شرف

از وقوع باید کرد؟ ما هشدار میدهم که تا دیر نشده باید عوامل ضد انقلاب را در بلوچستان افشاء کرد و توطئه های آنها را عقیم گذاشت. و برای نیل به این هدف، قبل از هر چیز باید به خلق بلوچستان تکیه کرد و خواستهای عادلانه آنها برآورده ساخت. تکیه به خلق برای سرکوب ضد انقلاب، چنین است نتواری که در برابر يك دولت انقلابی قرار دارد.

آینده در بلوچستان خواهیم داشت... متأسفانه در بلوچستان همه عوامل برای تحقق این پیشگویی دارد فراهم میشود. گفته های آقای طباطبائی نشان میدهد که دولت نیز از وضع بلوچستان بی اطلاع نیست، ولی چنانکه بیداست، دست با اقدامات جدی برای جلوگیری از وقوع تحریکات نمی زند. ولی مگر نه اینستکه علاج واقعه قبل

بقیه از صفحه ۱

وضع بلوچستان مایه نگرانی است

بلوچستان ناراضی کرده و طراحان امریکائی ضد انقلاب، همراه با عوامل ایرانی، خود از این ناراضائی مردم کمال رضایت را دارند.

بلوچستان ناراضی کرده و طراحان امریکائی ضد انقلاب، همراه با عوامل ایرانی، خود از این ناراضائی مردم کمال رضایت را دارند.

شد انقلاب و هواداران «بلوچستان آزاده» جریان دارد. پسا لیزبان کوشاست که توسط سر لشکران بازنشسته و آزاد در تهران با سران عشایر تماس بگیرد. نقشه ای را که «سیا» برای «بلوچستان آزاد» طرح کرده، منطقه بزرگی از غرب تا بندرعباس و از شمال تا کرمان و سیستان را در بر میگیرد. برای تدارک زیاده کردن طرح شورش مسلحانه، ابتدا باید امنیت را از مردم سلب کرد. به همین دلیل کشتن این یا آن نکهبان، خلع سلاح فلان پاسکام، غارت اموال این و آن، تجاوز و مسلحانه با انواع و اشکال رایج و و متداول شده است. ضمناً تبلیغات علیه انقلاب، که گویا نا امانی باره مان آورده، رواج دارد و تبلیغات دامنه داری نیز بر ضد رهبر انقلاب انجام میگیرد. همه این دسائس مردم را در

بلوچستان ناراضی کرده و طراحان امریکائی ضد انقلاب، همراه با عوامل ایرانی، خود از این ناراضائی مردم کمال رضایت را دارند.

شرایط کار کارگران کارخانه قند ارومیه

اعتصاب چهار ساعته

کارگران شرکت زمینس، روزشنبه ۵۸/۴/۲، بعلت عدم رسیدگی بخواسته‌هایشان بمدت ۴ ساعت دست از کار کشیدند. آنها با هماهنگی بکارگران وزارت کار و امور اجتماعی بسر کار خود بازگشتند و قرارداد که روز بعد در وزارت کار با حضور نمایندگان کارفرما و نمایندگان شورای کارگران بخواسته‌هایشان رسیدگی شود. متأسفانه در این جلسه هیچگونه نتیجه‌ای گرفته نشد. فقط تصمیم گرفته شد که طی چند روز آینده با زمینس آلمان تماس و نتیجه مذاکره اعلام شود.

کارخانه قند ارومیه سالانه ۴ الی ۵ ماه کار میکند. این مدت بستگی به میزان کشت چغندر در منطقه ارومیه دارد و آن نیز بنوبه خود بستگی به قیمتی دارد که کارخانه برای هر تن چغندر میپردازد. کارگران این کارخانه روستائیان اطراف کارخانه هستند که تابستان بکار کشاورزی میپردازند و زمستان در این کارخانه کار میکنند. کارگران این کارخانه در دو شیفت ۱۲ ساعته کار میکنند که البته نسبت به ۴ ساعت آن اضافه حقوق میگیرند. جمع حقوق و اضافه حقوق حدود ۵۰ تومان و در بعضی قسمتها تا ۶۰ تومان میرسد. پس از پایان کار، کارخانه آنها را اخراج میکند و فقط دستمزدشان را میپردازد. سال بعد که اغلب همان کارگران مجدداً برای کار برمیگردند، تنها از حق تقدم در اشتغال بکار برخوردارند و گرنه سابقه کاری که در کارخانه دارند، هیچ تأثیری در حقوق آنها ندارد. و اما کارخانه در برخی از سالها تابستانها نیز، با تقدیه از شکر تولید شده، مدتی کار میکند. مثلاً همین روزها قسمت تبدیل شکر به قند دایر است و بیش از ۱۲۰ کارگر در دو شیفت ۱۲ ساعته در آن کار میکنند.

عده‌ای از کارگران که در انبار شکر کار میکنند، کارشان طاقت فرساست. آنها باید روزانه تعداد معینی عدل شکر، از طریق نواری (نسمه) که بین انبار و قسمت تولید میچرخد، به قسمت تولید منتقل نمایند. آنها معمولاً این کار را با سرعت بیشتری انجام میدهند، مثلاً در ۸۰ ساعت، و بعد به خانه‌های خود میروند. بقیه کارگران که در قسمت تولید (تبدیل شکر به قند) کار میکنند، بقول یکی از کارگران، حتی لحظه‌ای هم نمیتوانند محل کار را ترک کنند. کارگران قسمت انبار روزانه ۶۰ تومان و کارگران قسمت تولید روزانه ۵۴ تومان حقوق میگیرند. (این مبلغ شامل اضافه حقوق نیز هست)

کارگران قسمت تولید نسبت به حقوق خود، با مراجعه به مسئولین کارخانه، اعتراض کرده‌اند، اما هنوز ترتیب اثری به اعتراض آنها داده نشده است. در ضمن کارگران این کارخانه در برابر خطراتی که در محل کار سلامتیشان را تهدید میکند، هیچ تضمینی ندارند. مثلاً همین چندین پیش، در قسمت انبار، عدل شکر از ارتفاع زیاد بر روی یکی از کارگران افتاد و باعث شکستگی دو دنده سینه او گردیده است. پرداخت هزینه معالجه و فرامت ظاهر بستگی به «زرتکی» خود کارگر دارد که بتواند چیزی از کارخانه بگیرد یا نه. این کارگر، از روزی که دنده‌هایش شکسته و از کار بازمانده، اخراجی محسوب میشود و حقوقی به او تعلق نمیگیرد.

کارگران بیکار شرکت اسفالت در طلب کار

صد تن از کارگران شرکت اسفالت سازی فروش (شیراز) که از کار بیکار شده‌اند، برای رسیدگی به وضع خود به اداره کار مراجعه کرده‌اند. شهرداری شیراز بنحاطر شرکت در دزدیهای زمان رژیم پهلوی، از ارجاع کار به این شرکت امتناع میکند. کارفرمادتی فراری بود، ولی دوباره سر و کله‌اش پیدا شده است.

دستاوردهای کارگران شرکت آردول

کارگران شرکت آردول روز ۲ تیر ماه دست به اعتصاب زدند و پس از تحقق خواسته‌شان، که اضافه دستمزد بود، بیکار بازگشتند. شرکت آردول، يك شرکت ساختمانی و راهسازی است، که در حدود ۱۰۰ تا ۱۴۰ کارگر در آن بکار مشغولند.

کارگران پیمانی شرکت پان آمریکن اخراج شده‌اند

گفته میشود که حدود ۶۰۰ نفر از کارگران پیمانی شرکت پان آمریکن، که در خارک کار استخراج نفت را به عهده داشته‌اند و طرف قرارداد شرکت نفت بوده، اخراج گردیده‌اند. همین عده معمولاً يك هفته کار میکرده‌اند و سپس يك هفته نزد خانواده‌هایشان میرفته‌اند. با شروع اعتصاب نفتگران، این کارگران نیز دست از کار میکشند و به همین خاطر کارفرما به تدریج شروع به اخراج این کارگران پیمانی مینماید. این عمل ادامه یافته و تا امروز ۶۰۰ نفر اخراج شده‌اند. با اینکه کارگران نامه اعتراضیه هم نوشته‌اند و تماسهایی با هیئت دولت نیز داشته‌اند، اما تا کنون جواب مثبتی برای بازگشت بکار نگرفته‌اند.

اخبار کارگری

کارگران فصلی دخانیات بلا تکلیفند

در کارخانه ارومیه هر سال حدود ۱۲۰۰ کارگر فصلی مشغول بکار میشوند، که بیش از نصف آنان زن هستند. این کارخانه در سال ۸ الی ۹ ماه کار میکند و پس از سپری شدن این مدت، کارگران از کارخانه اخراج میشوند و ۳ الی ۴ ماه در سال بیکارند. اما این کارگران تنها محل امراد معاششان کار در کارخانه دخانیات است و تحمل سه چهار ماه بیکاری در سال برای آنها مشکل است. حدود یکماه پیش کارگران این کارخانه با تقاضای رسمی شدن اعتصاب کرده بودند، اما بدون رسیدن به نتیجه قطعی اعتصاب خود را قطع کرده‌اند و تکلیفشان در این مورد از طرف مسئولین دخانیات روشن نشده است.

مرغداری جم و وضع اسفبار کارگران

کارگاه مرغداری جم، در جاده شاهدشت کرج، پائینتر از دامداری پدم قرار گرفته است. این کارگاه دارای ۳۶ سالن نگهداری و پرورش مرغ است. بین ۹۰ تا ۱۱۰ کارگر در این مرغداری بکار مشغولند، که در میان آنها عده‌ای نیز افغانی و چند تائی هم از ملیتهای دیگر، نظیر هندی و پاکستانی بکار اشتغال دارند. در هر کدام از سالنهای مرغداری، چهار دستگاه تهویه نصب شده است که بقول کارگران، کارفرما بجهت صرفه جویی فقط یکی از آنها را بکار میاندازد و به همین دلیل هوای داخل سالنها بسیار متعفن و تحمل ناپذیر است و سلامتی کارگران را بشدت تهدید می کند. کارگران با مراجعه مکرر به نماینده کارفرما، متأسفانه موفق نشدند او را متقاعد کنند که دستگاه دیگر را بکار اندازد و هر بار که با شکوه و شکایت زیاد، درخواست بکار انداختن تهویه ها را کرده‌اند، با توب و تشر و تهدید آقای جوادزاده مواجه شده‌اند که، «میخواهید کار بکنید، میخواهید کار نکنید!»

اکثر کارگران این کارگاه بیمه نیستند. کارگرانی هستند که با ۱۳ سال سابقه هنوز نتوانسته‌اند از مزایای بیمه استفاده کنند و کارفرما همیشه برای بیمه کردن کارگران و ارسال لیست دقیق کارگاه طفره رفته و به بهانه‌های مختلف و تهدید، به اخراج کارگران، شانه از زیر این حق مسلم و قانونی آنها خالی کرده است.

کارگران این کارگاه چندین بار به شعبه بیمه‌های اجتماعی کرج برای رسیدگی به حقوق حقه خود مراجعه کرده‌اند و درخواست اعزام بازرس نموده‌اند. ولی متأسفانه از ورود بازرسان به محدوده کارگاه جلوگیری شده است. حدود ۱۵ نفر از کارگران در قسمت آسیاب، که تغذیه مرغها را تامین می کند، کاری کنند. آنها از محیط غیر بهداشتی و طاق فرسای کارشان شکوه زیادی دارند، ولی هیچ اقدامی در جهت بهبود بهداشت محیط کار صورت نگرفته و هر بار که کارگران از هوای بد و متعفن کارگاه شکوه کرده‌اند، متأسفانه بای تفاوتی کارفرما و نماینده‌اش مواجه شده‌اند.

در مورد درخواست اضافه دستمزد و سامان دادن به وضع بیمه کارگران، همیشه يك گوش کارفرما در و دیگری دروازه بوده است. کارگران حدود ۱۲ ساعت در کارگاه هستند که از این ۱۲ ساعت، ۲ ساعت وقت ناهار آنهاست و ۱۰ ساعت دیگر را بکار مشغولند. آنها در برابر این کار، دستمزد روزانه ناچیزی که بین ۳۰۰ تا ۷۵۰ ریال است، دریافت می کنند، البته عده کمی از کارگران پرسابقه و یافنی هستند که در حدود ۱۰۰۰ ریال مزد دریافت می کنند. در میان این عده، بیش از ۷۰ درصد آنها همان نازلترین رقم دستمزد را دریافت می کنند.

کارگران شرکت زمینه شیواز حقوق عقب افتاده خود را میخواهند.

۷۰۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی زمینه، مسئول ساختمان طرح گسترش پتروشیمی فارس، بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده به اداره کار مراجعه کردند. کارفرمای شرکت حاضر به پرداخت حقوق کارگران نیست. کارگران برای دریافت این مبلغ ناچیز تاکنون بدفعات به محل شرکت، که در ۵ کیلومتری شیراز است، مراجعه کرده‌اند که هر بار با دست خالی بازگشته‌اند. کارگران میگویند تاکنون بیشتر از مبلغ مورد مطالبه خود پول کرایه پرداخته‌اند. آثار فقر و گرسنگی در چهره کارگران نمایان است و اکثر آنها هیچگونه محل درآمدی ندارند. اداره کار به آنها قول داده است که طلب آنها را از صنایع پتروشیمی بگیرد و پتروشیمی از بابت مطالبات شرکت زمینه، این پول را کسر نماید.

کارگران این شرکت همچنین خواستار کمک اداره کار یا شرکت زمینه به بیکارانند. کارگران میگویند که بعضی نورچشمی‌ها، که در تهران زندگی میکنند، هر ماه هنگام پرداخت حقوق به شرکت مراجعه و حقوق خود را دریافت میکنند. کارگران از کارفرما، که او را از وابستگی رژیم گذشته میدانند، متفرند و مایلند که او محاکمه شود. آنها میگویند يك سرمایه دار ۷۰۰ کارگر را شش ماه است که سرگردان کرده است.

تحصن کارگران شرکت پیمانکاران پارسو ترو - جردن

از روز ۵۸/۴/۲، نمایندگان کارگران شرکت پیمانکاری پارسو ترو - جردن تحصن کرده‌اند. عده آنها ۳۰ نفر است که بنمایندگی ۳۵۰۰ کارگر در این تحصن شرکت کرده‌اند. این تحصن آخرین تلاش آنها، بعد از مراجعه به مقامات مختلف برای دریافت حقوق عقب مانده هشت ماهه است. در اطلاعیه‌ای که متعین بدیوار دروردی شرکت، واقع در خیابان بلوار زده‌اند، متذکر شده‌اند که به زودی کارگران از نقاط مختلف ایران به این تحصن خواهند پیوست و اگر به درخواست آنها ترتیب اثر داده نشود، حتی زنان و فرزندان خود را به محل تحصن خواهند کشاند. این شرکت از پیمانکاران شرکت ملی مس ایران است. آخرین مذاکرات کارگران با مقامات وزارت کار روز چهارشنبه (۵۸/۴/۶) صورت گرفته و گویا وزارتخانه مزبور به شرکت ملی مس ایران دستور هائی صادر کرده است.

کارآموزان سازمان انرژی اتمی هنوز بلا تکلیفند

کارآموزان سازمان انرژی اتمی ایران، پس از مراجعات مکرر به مقامات مسئول برای روشن شدن وضع خود، در حال حاضر به نتایج زیرین رسیده‌اند.

عده‌ای از کارآموزان را در وزارت نیرو استخدام خواهند کرد و عده‌ای دیگر با باز خرید سوابقشان از سازمان کنار گذارده میشوند. کارآموزان در حال حاضر بیکار هستند و تا روشن شدن وضعشان حقوقشان به ترتیب زیر تغییر یافته است:

پایه حقوق کارآموزان، که ۲ هزار تومان بود، به ۱۵۰۰ تومان کاهش پذیرفته و در عوض ۷۰۰ تومان بعنوان اضافه دستمزد با آنها پرداخت میشود، و اگر در شهرستانها استخدام شوند، میزان حقوق پایه با اضافه حق مسکن و بدهی آب و هوا را دریافت خواهند داشت. عده‌ای از کارآموزان به کاهش پایه حقوق و ادامه بلا تکلیفی خود معترض‌اند.

گزارشی از شرکت جنرال مکانیک - شیراز

۵۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت ساختمانی جنرال مکانیک، که قبل از انقلاب کارهای ساختمان سازی صنایع الکترونیک را به عهده داشته‌اند، بعد از چند ماه بیکاری و دوندگی موفق شدند نماینده کارفرما - آقای بهبانی - را مجبور کنند که قسمتی از خواسته‌های حقه آنها را پرداخت نماید. این خواسته عبارتند از:

۱- پرداخت حاصل ضرب ۱۲ روز از حقوق ماهیانه در تعداد ماههای کارکرد کارگران. البته در مورد کارگرانی که این حاصل ضرب به ۴۰ روز حقوق نرسد. معادل ۴۰ روز و برای کارگرانی با سابقه بیشتر، بازه هر ماه ۵ روز حقوق مازاد بر مبلغ فوق پرداخت میگردد.

۲- شرکت موظف است که چنانچه دوباره شروع بکار کند، نماینده کارگران را مامور استخدام کارگر نماید. این توافق نامه در اداره کار شیراز بین نمایندگان کارگران، اداره کار و کارفرما بعمل آمد. نکته جالب توجه اینکه برای توافق در هر مورد، نماینده کارگران از جلسه خارج میشد و موضوع را برای کارگران مطرح میکرد و در صورت توافق دسته جمعی، پیشنهاد مطرحه در جلسه را میپذیرفت.

دستاوردهای کارگران ژیان در پرتو انقلاب

کارگران کارخانه نجات سیر و فن (ژیان) پس از سالها خفقان و محرومیت و پس از سالها تلاش بیکار توانستند سندیکی فرمایشی تحمیل شده به خویش را منحل سازند. این سندیکی که تمام اقدامات آن علناً ضد کارگری بود، عامل برجسته و مهم اخراج کارگران نازاضی کارخانه و سرکوب اعتصابات بحق کارگران در طول سالهای مدید بوده است. سندیکی فرمایشی، که جهت عمده حرکت آنرا ساواک و اداره حفاظت کارخانه معین میکرد، توانسته بود با ایجاد محیط دودستی مصنوعی در کارخانه، خود از آب گل آلود ماهی بگیرد. نماینده کارگران با بر نامه‌ای حساب شده بعضی امتیازات، هر چند جزئی، به گروهی قلیل میپرداخت، که این خود باعث تفرقه و حس بدبینی کارگران نسبت بهم میشد و همچنین به مسئله ملی دامن میزد. ولی کارگران آگاهی بودند که همواره سعی در خنثی نمودن این توطئه‌ها میکردند.

کارکنان این کارخانه بدرستی از دستاوردهای انقلاب استفاده کرده و در نتیجه تمام عوامل وابسته و سرسپرده و ضد کارگری را از کارخانه اخراج نموده و ساعات کار را به چهار ساعت کار در هفته کاهش داده‌اند. آنها شورای کارخانه را یاسی نفر عضو تشکیل داده‌اند، که هر کدام از اعضاء، از قسمتهای مختلف کارخانه، مانند پرس، صافکاری، نقاشی، صندلی سازی، خط مونتاژ و غیره انتخاب شده‌اند و نه نفر از آنها عضو هیئت اجرایی‌اند که بزودی نماینده کارگران را انتخاب میکنند.

به خواسته‌های کارگران مرغداری شهرستان کرج رسیدگی کنید

در محدوده شهرستان کرج، ۳۰۰ تا ۳۵۰ کارگاه مرغداری و دامداری وجود دارد که بنا بر قدرت تولید و توزیع کارگاهها و کوچکی و بزرگی آنها، هر کدام بین ۱۸ تا ۴۵۰ کارگر در آنها بکار مشغولند. وضع کارگران شاغل در این کارگاهها از هر نظر اسف - انگیز است. کارگران اکثراً از مزایای تصویب شده و قانونی بیمه‌های اجتماعی استفاده نمیکنند و کارفرمایان بتناوبین مختلف از بیمه شدن کارگران جلوگیری بعمل میآورند.

باتوجه به ماده ۵ قانون بیمه های اجتماعی، کارگران دامپرور و دامرغداریهای شهرستان کرج، از اول مهرماه ۱۳۴۸، مشمول مقررات کامل بیمه های اجتماعی قرار گرفته‌اند و میبایستی از کلیه مزایای قانونی بیمه های اجتماعی بهره‌مند شوند. ولی با کمال تأسف، با اعمال نفوذ غیر قانونی کارفرمایان و بعلت وابستگی آنها به رژیم گذشته، هنوز هم در راه بهبود وضع کارگران این دسته از کارگاهها قدمی اصولی برداشته نشده است و همچنان حقوق کارگران در این محدوده پایمال میشود. ناگفته نماند که چندین بار سازمان بیمه‌های اجتماعی به پرونده این کارگاهها رسیدگی و بدهی معوقه این دسته از کارفرمایان را اعلام نموده است. ولی هر بار کارفرمایان، با نفوذ غیر قانونی خود، سازمان بیمه‌های اجتماعی را بظاهر محکوم کرده و تلاش قانونی نماینده بیمه‌های اجتماعی را ناکام گذاشته و همچنان به سوء استفاده‌های کلان و بهره‌کشی مداوم خود ادامه داده‌اند.

چه کسانی خرمند؟ را آتش میزنند؟

اخبار دهقانی

گوشه‌ای از زندگی زحمته‌شان سروستان

حسن همجواری را تحکیم بخشیم

ضد انقلاب از هیچ دیسه‌ای غافل نمانده است. در شمار اعمال تبهکارانه‌ای که در دوران اخیر بدان توسل جسته است، آتش زدن خرمن است. باین اقدام جنایت کارانه هم کشور را دچار قحطی، هم دهقانان را ناراضی و هم نامتی را تشدید می‌کند، اما ضد انقلاب

هدف دیگری را هم تعقیب می‌کند. او این جنایت را اینجا و آنجا بنام «توده‌ایها» انجام داده تا دهقانان را نسبت به حزب ما بی‌باور سازد. طبق یک خبر موقت، ساعت ۱۰ شب ۱۳/۴/۱۳۵۸، اتومبیل پیکانی کنار مزرعه‌ای در ده «قهوه

رخ» توقف می‌کند و یکی از سر نشینان اتومبیل فریاد می‌زند: «دهقان چه می‌کنی؟» دهقان جواب میدهد: «آبیساری میکنم. این آخرین آب قبل از برداشت محصول است». سر نشینان اتومبیل، که یکیشان پشت دل نشسته و دیگری جلوی در ماشین ایستاده بود، فریاد می‌زنند: «ما توده‌ای هستیم، بیخود زحمت نکش، گندمهایت را آتش خواهیم زد.» سپس اتومبیل را روشن و حرکت می‌کند.

خا توده‌های تهیدست سروستانی اکثر برای کمک بخرج خود یک دار قالی در خانه برپا میکنند. زنان و دختران خانوادها و یا آشنایان و بستگان بر روی این قالیها کار میکنند. به تناسب افرادی که بر روی قالی کار میکنند، از یک هفته تا یکماه طول میکشد تا قالی تمام شود. برای بافتن گاز، هر قالی پس از وضع مختارج، ۵۰۰ تا ۷۰۰ تومان، بدون احتساب مزد کارگر، باقی میماند.

بطروف، مفسر مشهور روزنامه پر اودا، مقاله‌ای نوشته که توسط خبرگزاری شوروی «نوستی» منتشر شده است. توجه خوانندگان «مردم» را به نظرات مفسر پر اودا رابط ایران و شوروی جلب میکنیم.

در اتحاد شوروی، مجاهدات رهبران ایران نوین واقعاتی که در مورد رفع مشکلات داخلی، احیای اقتصادیات و نوسازی نظام اداری کشور انجام میگردد، با تفاهم و علاقه دنبال میشود. برآمد پیکیر وجدی اقتصاد شوروی علیه دخالت محافل امپریالیستی، در امور داخلی ایران در دوران حوادث انقلابی، تا حد زیادی به عقیم ماندن نقشه‌های مداخله گرانه خارجی کمک کرد. نقشه‌هایی که، چنانکه معلوم است، تنها روی کاغذ وجود نداشت. بیروزی انقلاب ایران امکانات گسترده‌ی بیشتری برای توسعه روابط حسن همجواری بین دو کشور و تعمیق همکاری متقابل مفید بین مادر تمام زمینها فراهم نمود. رهبران ایران، از جمله آیت‌الله خمینی، پیشوای انقلاب، در اظهارات اخیر خود باین واقعیت مطلوب عطف توجه نمودند. از هر دو طرف تمایلاتی ابراز میشود و تبادل مصلحتی اتخاذ میگردد تا همکاری شوروی و ایران پر رونق تر گردد.

لکن چنین دور نمایی، چه در خود ایران و چه در خارج از آن، بساب طبع همه نیست. نیروهایی هستند که بیشتر خواهان نفاق و بدگمانی بین ایران و اتحاد شوروی هستند تا دوستی و هم‌آهنگی. منظور قبل از همه عناصر طرفدار امپریالیست‌ها، هواداران شاه و مرتجعین هستند که انقلاب بمنافعشان ضربه می‌زنند و از ساختن آنها توطئه می‌چینند و بین دسته‌های مختلف جنبش انقلابی و گروه‌های جداگانه ملی و اجتماعی جامعه ایران اصطکاک و تصادم برپا میکنند. این نیروها بپیمیل نیستند که اقتصادیات ایران را به هرج و مرج بکشانند و وضع کشور را در صحنه بین‌المللی وخیم و بفرنج سازند و میان ایران و همسایگانش تصادم ایجاد کنند.

آنها میخواهند در میان توده‌ها بذر شک و تردید در اهلیت حیات بخش تحولاتی که در ایران روی داده، بیفشانند، تحولاتی که به بهای جان هزاران وطن پرست تمام شده است. بخاطر این مقاصد، ترهات و افتراات زیادی پخش میشود، از جمله علیه اتحاد شوروی. هدف سیاست اتحاد شوروی در تمام مراحل، به پیروی از وصایای و ای، لنین، رهائی خلق‌ها از قید استعمار و کلیه اشکال دیگر ستم و تعدی بوده و هست. مشکل بتوان تیشی مهمل ترو سخیف تراز این تلاش تصور نمود که این سیاست، باروش کشورهای امپریالیستی، که ده‌ها سال در ایران سیادت کردند و ثروت آن را به نیما بردند و این کشور را بپایگاه نظامی خود مبدل کردند، در یک سطح قرارداد شده است. باتمام این اوصاف، اینگونه تلاشها وجود دارد، ولی همانند تمام تلاشهای پیشین محکوم به شکست است. زیرا هر روز خود واقعیت زندگی آنها را تکذیب میکند. در اینجا فقط کسی میتواند فریب بخورد که بخواید خود را فریب دهد و یا اینکه برای فتنه‌گری خود دستاویزی پیدا کند. بعید نیست که در میان شخصیت‌هایی که در انقلاب نقش مهم و مثبتی داشتند انقلابی که شاه و دیگر سرسپردگان نیروهای بیگانه با مردم را سرنگون کرد - اشخاصی هم باشند که اکنون میخواهند منطق پیشرفت و تکامل را عوض کنند، از دوستان روبرو میگردد و در میان دشمنان دیروزی طلب عنایت و احسان مینمایند. ولی آلهائی که سر نوشت و مقدرات ایران را حل میکنند، این قبیل اشخاص نیستند، بلکه آن دولتمردان تجربه دیده‌ای هستند که بلدند دروغ را از راست تمیز دهند. اعتماد مردم و همبستگی گسترده بین‌المللی با آنهاست.

امر تحکیم دوستی بین کشورها مستلزم مجاهدات دو جانبه و صادقانه در جهت حفظ محیط حسن نیت و احترام متقابل است. اتحاد شوروی بخصوص خواستار چنین گسترشی در مناسبات خود با ایران است، زیرا این امر با منافع ملل دو کشور مطابقت دارد و به تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی کمک مینماید.

دهقانان مجید آباد مالک سابق را فراری دادند

از ده مجید آباد، در نزدیکی شهرستان اهر، خبر میرسد که یکی از نفوذهای قبلی بنام سلطانی، که باغات و مراتع و زمینهای زیر کشت مرغوب را طبق قوانین رژیم سابق تصاحب کرده بود و هر ساله، علیرغم به افلاس کشیدن مردم زحمتکش، سرمایه‌های گزاف به جیب میزد، امسال نیز طبق روال قبلی ارباب و رعیتی، با ایادی خود به ده مسافرت میکند تا دوباره دهقانان را مورد استثمار قرار دهد. ولی دهقانان، که بحق مسلم خود آشنا شده‌اند، زیر بار نمیروند. ارباب سابق در مقابل صف متحد مردم مستعدیده قرار میگردد. نفوذ اول خوش برخوردی نشان میدهد، سپس از مذهب سخن میگوید و در آخر از پاسکاه صحبت بمیان میآورد، که دهقانان حرف آخرشان را میزنند: «ما تصمیم گرفته‌ایم زمین خودمان را خودمان بکاریم و تا جان داریم از خواست حقه‌مان دفاع خواهیم کرد». و سلطانی از ترس گرفتار شدن بدست دهقانان یا بفرار میگذارد. راه دهقانان همین است، اتحاد و مبارزه، دفاع از حق مسلم خویش بداشتن زمین.

نمونه‌ای از زندگی زنان دهقان

ده هزار رود یا طارم علیا، در حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ کیلومتری شمال زنجان قرار دارد. اهالی این ده نیمه‌ساکن هستند و تابستان را به علت گرمای شدید ده و برای چرانیدن گله‌های خود به کوهستانها می‌روند. برای تأمین زندگی خود، تمام افراد خانواده از کوچک و بزرگ باید کار کنند. محصول عمده کشاورزی آنها، برنج و میوه (انار و زیتون) است.

در این ده از حمام، حتی بصورت خزینهای آن هم خبری نیست. آب در ده حتی برای آشامیدن هم وجود ندارد. زنان ده مجبورند هر روز یک بر سر راه درازی را تارودخانه بپیمایند تا آب روزانه خود را تأمین کنند. از بهداری و برق هم خبری نیست.

در این ده تمام کارها یا مسولیت اصلی کارها بر دوش زنان است. زنان از کارهای خانه گرفته تا کشاورزی و گله‌داری را انجام میدهند و علاوه بر زجر کار و زحمت، در خانه نیز باید از مردان حساب ببرند و تابع اجرای دستورات آنها باشند. از آنجا که کشاورزی و گله‌داری به تنهایی نمی‌تواند زندگی اکثریت آنها را تأمین کند، زنان به گلیم بافی نیز مشغولند. کار گلیم بافی همیشه بر عهده دختران جوان و دختر بچه‌ها است. یک گلیم ۲ در ۳ متر، با کار مداوم از صبح تا شب ۳ نفر - ۲۰ روز طول می‌کشد و سپس آنرا بقیمت ۲۰۰ تومان به واسطه‌های شهری می‌فروشند. این واسطه‌ها گلیم را بقیمت خیلی گرانتر در شهر بفروش می‌رسانند. در یک خانواده این‌ده، برای تأمین زندگی خانواده، ۳ دختر جوان از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب گلیم می‌بافند. یکی از آنها بکلی بیثباتی خود را از دست داده و دیگران نیز چشمشان بر اثر کار زیاد ضعیف شده است. در این ده درس خواندن برای دختران و زنان معنی ندارد، آنها میگویند، ما درس برای چه یاد بگیریم، آیا ظرف شستن یا بشیر دوشیدن به سواد احتیاج دارد؟! دختران را از دوسالگی تا ۶ سالگی حتما باید نامزد کنند. این از رسوم ده است و آنها باید بدیده طلاق آشنائی نبارند و کسی که ازدواج می‌کند، باید با هر گونه سختی بسازد.

قالیها را دلایله خریداری میکنند و پس از انتقال به شیخ نشین‌ها، در آنجا بفروش میرسانند. پس از انقلاب، دلایله دیگر قالی نمیخرند و میگویند مبادلات بین ایران و شیخ نشین‌ها قطع شده است.

فروش قالی کمک مؤثری به هزینه خانوادها برای روستائی سروستان و حومه آن بود که اکنون مدتی است این منبع درآمد از بین رفته است. این جریان موجب نارضایتی روستائیان شده و قالی‌ها روی دستشان مانده است.

نمدهالان سروستانی علاوه بر کرک و گوسفند، از موادی برای تهیه کلاه نمدی استفاده میکنند، که از خارج وارد میشود. بعد از انقلاب، از ورود این ماده ارزش قیمت به ایران جلوگیری شده. کلاه نمدی بخاطر ارزانی این ماده و سهولت تبدیل آن به کلاه، مشتریان زیادی دارد.

کشاورزان سروستانی میگویند، با آنکه قیمت گندم افزایش یافته، ولی نقش بطور عمده به جیب مالگانی میرود که زمینهای وسیعی را در اختیار دارند و گرنه کسانی که فقط باندازه نیازشان زمین در اختیار دارند و امکان تولید بیش از مصرف را ندارند، نه تنها نفی عایدشان نمیشود، بلکه باید همان گندم را گرانتر از سابق بخرند.

یک کارگر بیکار سروستانی به خبرنگار «مردم» گفته است که، من و خانوادها سه نفری‌ام هیچگونه درآمدی نداریم. من مجبورم روزهای متوالی در بیابانهای داغ و سوزان، برای بدست آوردن کتیرا، خارها را تیغ بزنم و پس از ۱۰-۱۲ روز ۲ کیلو کتیرا بدست آورم و با فروش آن امرار معاش کنم. با وجودی که مدت چهار سال بی دربی کارگر جنرال مکانیک بودم و هر ماه حق بیمه از من کسر میکردند، اما به بهانه کهولت از کار اخراج کردند و از پرداخت وام بیکاری امتناع میکنند.

در امور داخلی کشور بر ادراک نستان دخالت میکنند، محکوم مینمائیم. ما خوشحالی خود را از امضای قرارداد سالت ۲، که در ۲۸ خرداد ماه صورت گرفته، ابراز میداریم. تدوین این قرارداد که با کوشش و خردمندی سران دولت های شوروی و آمریکا امکان پذیرفت، امید صلح و زندگی را در دن میلیاردها مردم جهان قوت بخشیده است. اگر دولتها در ایجاد چنین تفاهات و گسترش محیط تشنج‌زدائی کوششهای پیکیر نمایند، و ملت‌های جهان کار صلح و دفاع از آن را بیش از پیش در دست گیرند، خطر جنگ جهانی، که این بار همه دنیا را به هیر و شیمای خاکستر شده تبدیل خواهد ساخت، از بین خواهد رفت. **دبیرخانه جمعیت ایرانی هواداران صلح**

بیانیه زیرین را «جمعیت ایرانی هواداران صلح» برای دفتر «مردم» ارسال داشته است

بیانیه جمعیت ایرانی هواداران صلح

جمعیت ایرانی هواداران صلح خوشوقتست که در آغاز دوره جدید فعالیت خود، پیروزی بزرگی را که در انقلاب کبیر ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بدست آمده، به ملت ایران تبریک بگوید. مبارزه انقلابی ملت پر افتخار ما، مبارزه‌ای است در راه صلح و دموکراسی و استقلال ملی، و در همین مدت کوتاهی که از شروع پیروزی انقلاب میگذرد، ملت و دولت ایران به رهبری قاطع و هوشمندانه امام خمینی قدم‌های بلندی در راه به ثمر رساندن جانفشانی‌ها و مبارزات دلیرانه مردم ایران برداشته‌اند. ترک پیمان تجاوزکارستو، احضار نیروهای نظامی از عمان، پیوستن به جرگه کشورهای غیر متعهد، تقلیل بودجه و نفقات نظامی غیر لازم، ایجاد روابط نزدیک با سازمان آزادیبخش فلسطین، رد قرارداد با اصطلاح صلح مصر و اسرائیل، استقرار آزادیهای دموکراتیک، اعلام اینکه ایران دیگر زانده‌ام خلیج فارس نخواهد بود، و یک سلسله اقدامات دیگر، همه اینها آرزوی دیرینه مردم صلح دوست ایران بود که پس از سالها مبارزه و فداکاری، به یمن پیروزی انقلاب خونین ایران بدست آمد. ما امیدواریم که اقدامات دولت انقلابی ایران در راه صلح و آزادی دموکراسی همچنان ادامه یابد و با استقرار جمهوری اسلامی ایران قرارداد تحمیلی و با اصطلاح امنیت متقابل ایران و آمریکا و سایر قراردادهای نظامی لغو گردد، به خدمت بقیه مستشاران نظامی پایان داده شود و بادولتهای انقلابی و از قید استعمار آزاد شده لبی، یمن جنوبی، کوبا، آنگولا، اتیوپی، ویتنام و افغانستان

روابط نزدیک و دوستانه برقرار گردد. ما نگرانی و تشویش خود را از تشدید تجاوزاتی که دولت اسرائیل اخیراً بر ملت‌های فلسطین و لبنان نموده ابراز میداریم و از همه احزاب و سازمان‌ها و افراد آزادخواه ایران دعوت میکنیم که به یاری مردم مظلوم فلسطین و لبنان برخیزند. ماههدردی خود را با ملت انقلابی افغانستان اظهار میکنیم، ملتی که یکسال پیش مانند برادران ایرانی خود بر علیه ظلم و فساد و استبداد قیام کردند و اکنون مانند کشور ما، هم گرفتار مسائل و مشکلات دوران سازندگی کشور خویشند، هم باید انقلاب و ثمره‌های آن را در برابر توطئه‌ها و تهمتهای ضد انقلاب محافظت نمایند. ما اقدامات نیروهای از تجاعی پاکستان را که با ترتیب دادن اردوگاهها و تجهیز افراد و دسته‌های ضد انقلاب

طب ملی

بجای گذاشت. این رژیم ضد خلقی و وابسته با مپریالیسم، اولاً همه نیازهای درمانی و از جمله تربیت کادرهای پزشکی و متخصصین را به کشورهای امپریالیستی وابسته کرد و ثانیاً زیر فشار پرطمطراق «کار مردم را باید مردم سپرد» موسسات و بنگاههای آموزشی وطبی کشور را هم بطور عمده بدست بخش خصوصی سپرد و آنها را به موسسات تجارنی پسر درآمسدی برای

صاحبان، که اغلب وابسته به دربار پهلوی بودند و بنحوی این «بزرگ منشی» خاندان فاسد پهلوی راجع مینهادند، تبدیل کرد. در این معامله شوم، بازندگان واقعی اکثریت قریب به اتفاق مردم، یعنی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان بدی و فکری جامعه و از جمله توده پزشکان زحمتکش بودند. آنچه را که رژیم گذشته «ملی» مینامید، در واقع موسسات سوداگر شخصی و خصوصی بود.

«ملی» بان موسسات و دستگاههایی میگوئیم که در مالکیت اشخاص و افراد نباشد، بلکه در مالکیت همه خلق باشد و دولت ملی - بعنوان نماینده مردم - آنها را به نفع مالکین واقعی آنها، یعنی همه خلق اداره کند. پس طب ملی، یعنی لئو مالکیت خصوصی بر موسسات، بنگاهها و وسائل عمده بهداشتی، درمانی و داروئی و اجرای مالکیت همه خلقی بر این موسسات و وسائل، جز رایگان بودن همه خدمات بهداشتی و درمانی و استفاده مجانی از همه امکانات و وسائل و دارو، در ازای حق بیمه ای که به تناسب درآمد پرداخت میشود، نمیتواند باشد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، طرفدار جدی اتخاذ و اجرای چنین سیاست بهداشتی و درمانی است. حزب توده ایران با تکیه به تجربیات کشورهای سوسیالیستی در زمینه بهداشت و طب ملی، میتواند کمکهای موثر عملی و فکری، که با شرایط خاص ایران منطبق و به نفع همه مردم باشد، بنماید. به همین دلیل حزب توده ایران، بعنوان حزبی که برای حفظ منافع و حقوق همه زحمتکشان ایران مبارزه میکند، وظیفه خود میداند که به تجزیه و تحلیل علمی در مورد طب ملی بپردازد و راه اجرای آن را نشان دهد.

طب ملی امری نیست که بتوان آن را از امروز بفرود و با صدور اعلامیه و یا تصویب نامه مرحله اجرا گذاشت. هرگونه اشتباه زدگی و عوامفریبی و چپ روی بیجا، وضع درمان را دچار سکت و جامعه ما را دچار اشکالات فراوان و انقلاب ملی و دمکراتیک ما را دچار مخاطره خواهد کرد.

ملی کردن، بان معنی که در بالا از آن یاد شد، تنها در چارچوب یک اقتصاد ملی و مستقل و فرهنگ ملی و غیر وابسته، بر پایه مبنای کردن عمده ترین وسائل و موسسات تولید و خدمات (صنایع کلیدی و مادر، بانکها، بیمه ها، بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریائی کشور، وسائل و موسسات تولید نیرو، سدها، شبکه های تأمین آب و آبیاری، راه آهن و راهها، هواپیمائی و کشتیرانی، وسائل ارتباطی، بنگاههای عمده حمل و نقل، موسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، جنگلها و مراعات عمومی، زمینهای بزرگ که در مالکیت دهقانان نیست، آموزش و پرورش در همه سطوح) امکان پذیر است.

برای ملی کردن طب به معنوی که در بالا ذکر شد، باید زیر بنای مادی و فنی آنرا بی ریزی کرد. این زیر بنای مادی و فنی طب ملی، فقط در بطن و هماهنگی با زیر بنای اقتصاد ملی و مستقل میتواند بی ریزی شود و رشد یابد.

حال که جامعه ما اولین قدمها را در راه ایجاد یک اقتصاد ملی و مستقل، از طریق ملی کردن بانکها، بیمه ها، قسمتی از زمینها و صنایع بزرگ و وابسته به سرمایه های امپریالیستی، برداشته است، بی ریزی سیستم طب ملی را می توان و باید از هم اکنون شروع کرد. برنامه طب ملی را باید در مرحله، که با هم پیوند حیاتی دارند، طرح ریزی و پیاده کرد.

۱- مرحله پی ریزی زیر بنای مادی و فنی:

الف- اولویت دادن به بهداشت عمومی و طب پیشگیر در مقابل طب درمانی.

طب زمان رژیم پهلوی، طب مصرفی بود، کاملاً وابسته به سیستم طبابت در کشورهای عمده امپریالیستی. طب مصرفی، از این نظر که سیاست بهداشتی کشور بطور عمده بر پایه معالجه بیمارها استوار بود و به طب پیشگیر توجه چندانی نمیشد، و طب وابسته، بدین جهت که در کشور ما، چه از نظر کادرهای متخصص پزشکی و چه از نظر تأمین دارو و وسائل پزشکی، کاملاً کشورهای امپریالیستی و در رأس همه امپریالیسم آمریکا وابسته بود. این سیاست ضد مردمی و غیر انسانی، در چارچوب سیاست کلی رژیم وابسته با مپریالیسم، که اقتصاد کشور را به یک اقتصاد وابسته و مصرفی تبدیل کرده بود، کاملاً میگنجید. در طب مصرفی و وابسته مانند بازار سایر کالاها - هر کس بیشتر پول میداد، بهتر معالجه میشد و هر کس فقیر و بی پول بود، میبایست صبر کرد.

برای رهایی از وابسته و مصرفی بودن طب، باید در سیستم طب ملی برای پیشگیری از بیمارها، در مقابل درمان آنها، اولویت زیاد قائل شد. چون در سیستم گذشته بسط بهداشت عمومی و پیشگیری از بیمارها توجه چندانی نشده و آنچه هم که انجام گرفته، بدست

فقدان سودآوری، در بخش دولتی متمرکز است و چون در این بخش با معضل ملی کردن و چگونگی اجرای آن روبرو نیستیم، دولت باید این بخش را فوراً ملی اعلام کند و به توسعه آن از طریق ایجاد شبکه های ساکن و سیار در سراسر کشور بپردازد. از دخالت بخش خصوصی در این امور (از قبیل واکسیناسیون، که تنها بدست سودآور بودن، بطور وسیع، ولی ناقص، نارسا و بدون هدف از طرف بخش خصوصی اجرا میشود) باید اکیداً جلوگیری کرد. ایجاد یک سیستم مترقی پیشگیری از بیمارها، بخصوص از این نظر مرجع است که اولاً سرمایه گذاری کمتری احتیاج دارد؛ ثانیاً تربیت کادرهای آن آسانتر و در مدتی کوتاه تر عملی میشود؛ ثالثاً از احتیاج کشور به موسسات و کادرهای درمانی، به مقیاس بسیار وسیع خواهد کاست. این امر با توجه به کمبودهای عظیمی که هم از نظر موسسات درمانی (درمانگاه و بیمارستان) و هم از نظر کادرهای درمانی (پزشک و پرستار و سایر کادرهای کمک پزشکی) در کشور وجود دارد، بسیاری از مشکلات درمانی را در حال و در آینده حل خواهد کرد. برای اجرای طرح بهداشت عمومی و پیشگیری از بیمارها، میتوان از تجربیات ارزنده کشورهای سوسیالیستی، که برخلاف کشورهای سرمایه داری به طب پیشگیر اهمیت فوق العاده میدهند و به پیشرفتهای شگرفی در این زمینه نائل آمده اند، استفاده کرد.

ب- از هم اکنون باید مؤسسات درمانی ملی (دولتی) را در نقاط پرجمعیت شهرهای بزرگ و شهرستانها و در محله های که زحمتکشان جامعه سکونت دارند، بوجود آورد و در آنجا یک مرکز درمانی موسسات موجودند، آنها را توسعه داد. باید پزشکان علاقمند به سیستم طب ملی را در این مراکز بکار گمارد و با در نظر گرفتن حقوق و مزایا و برخورداری از انواع بیمه ها و رفاه اجتماعی، تعداد هر چه بیشتر از پزشکان را باین بخش جذب نمود. پزشکان و سایر کادرهای درمانی باید در بخش طب ملی از آنچنان رفاهی برخوردار باشند که احتیاج بکار در بخش خصوصی را نداشته باشند. در این مراکز که در واقع هسته های طب ملی آینده اند، باید همه کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و ده بطور رایگان، چه سرپاشی و چه بطور بستری، درمان شوند. برای سرپرستی پزشکی دهات و نقاط دور - افتاده، که نه ممکن است و نه لازم که پزشک مقیم داشته باشند، باید در مراکز استانها و شهرستانها، بیمارستانهای ملی (دولتی) مجهز بوجود آورد. این بیمارستانها باید مجهز به آمبولانس، و در نقاطی که ضرورت داشته باشد، هلیکوپتر باشند. تا دهات و قصبات اطراف را، هم برای درمان بیماران سرپاشی و هم برای انتقال بیمارانی که احتیاج به بستری شدن دارند، زیر پوشش خود بگیرند. درمان در این مؤسسات هم باید کاملاً رایگان باشد. بخش طب ملی را باید بسته با امکانات هر چه بیشتر توسعه داد تا احتیاج مردم به مراجعه به مؤسسات خصوصی هر چه کمتر شود.

پ- باید با آمارگیری دقیق از جمعیت و تراکم ویراکنندگی آن در مقیاس کشور و آمارگیری علمی درباره انواع بیمارها و درصد شیوع آنها، احتیاجات فوری و آینده کشور را به مؤسسات و کادر درمانی (درمانگاه، بیمارستان، پزشک، پرستار و غیره) تعیین کرد و با توجه به نتیجه این تحقیقات، به ساختن مؤسسات و تربیت کادرهای لازم پرداخت. شکی نیست که این اقدامات باید در چارچوب طب ملی و در جهت توسعه هر چه بیشتر آن انجام شود.

ت- ملی کردن همه مؤسسات آموزشی و از جمله مؤسسات آموزش پزشکی، پرستاری، تکنیسین و سایر کادرهای کمک پزشکی، توسعه این مؤسسات و برنامه ریزی برای تربیت کادرهای لازم، طبق احتیاجات مشخص حال و آینده کشور، بطوریکه جوابگوی مرحله بعدی، یعنی ملی کردن کامل طب باشد. تربیت این کادرها باید حتی الامکان شامل اهالی بومی شود تا ماندن آنها در محل و استفاده از آنها در سیستم طب ملی آسانتر انجام شود.

ث- اجازه دادن باین مؤسسات کادرهای تخصصی پزشکی، پرستاری و سایر رشته ها را خود بپذیرند تا بدینوسیله سیستم آموزش طب ملی کشور از وابستگی به کشورهای امپریالیستی بیرون آید و از فرار مغزها جلوگیری شود.

ج- اتخاذ تدابیری برای بازگشت پزشکان ایرانی که به تعداد چندین هزار نفر در کشورهای خارجی مشغول کارند و ایجاد تسهیلات لازم برای بازگشت آنها، از جمله تهیه محل کادی که در کشور رشته تخصصی آنها باشد.

چ- خواستن از پزشکان، که بسته با احتیاج مناطق و بسته با فاصله مناطق از مرکز، چند روز یا چند ماه را بطور نسوبتی، در شهرها و شهرستانهای دور افتاده انجام وظیفه کنند. بدیهی است که تمام امکانات نقل و انتقال و مسکن و سایر احتیاجات پزشکان و کادرهای پزشکی باید از طرف دولت تأمین شود.

ح- رعایت عدم تمرکز امور بهداشتی و درمانی، کوشش برای ایجاد مراکز مجهز آموزش پزشکی و مؤسسات بهداشتی، پیشگیری از بیمارها و درمان در مراکز استانها و شهرستانهای بزرگ، اجازه دادن بمناطق برای برنامه ریزی در چارچوب برنامه کلی دولت مرکزی و ایجاد مرکزی برای هماهنگی کردن برنامه ها و رفع احتیاجات مناطق مختلف.

خ- اصلاح بیمه های اجتماعی و درمانی موجود و سوق دادن روند کار آنها در جهتی که در مرحله بعدی، یعنی مرحله طب ملی کامل، نیازی بآنها نباشد.

د- رسیدگی سریع به وضع بخش خصوصی و اجازه دادن به آن مراکز که دارای استانداردهای معینی هستند، تا تحت شرایط ویژه و نظارت دقیق دولت، تا مرحله بعدی، فقط در کادر نیازهای درمانی فعالیت کنند. شرکت فعال دولت در بیمارستانهای خصوصی هم برای اعمال نظارت در امور مالی، درمانی و اداری آنها و هم برای جهت دادن بمفالیات آنها برای ادغام در سیستم طب ملی.

ذ- پایه ریزی «سنت داروسازی مستقل ملی، برای تهیه داروهای ضروری در داخل کشور و بی نیاز کردن مملکت از مؤسسات هونتاژ دارو، که همگی وابسته به سرمایه های امپریالیستی اند، بی نیاز کردن کشور از واردات دارو، جلوگیری فوری از ورود داروهای

ژرفای جنایات رژیم پهلوی باید افشاء شود

در شماره ۳۵، روزنامه مردم، شرح شکنجه مبارزی انکاسی یافت که در روزهای تسلط رژیم اهریمنی پهلوی بر جامعه ما، واقعه ای عادی بشمار میرفت. این شرح، که فا بدلیل رعایت موازین عفت عمومی، قسمتهای آنرا حذف کردیم، جزء ناسمجیزی است از یک جنایت عظیم که رژیم پهلوی پایه های حکومت خود را بر آن متکی ساخته بود. این واقعه و هزاران واقعه مشابه، مشخصه يك دوران سیاه در تاریخ حیات مبین ماست. برای زدودن کامل آثار این دوران و برگشت نا پذیر ساختن آن، باید در عین سرکوب و تصفیه قاطع عمال جنایتکار رژیم شاه مخلوع، عمق تیرگی و پلیدی ساواک و دیگر دستگاههای اعمال فشار و ایجاد خفقان را برای توده مردم افشاء نمود و تصویری صحیح، زنده و گویا از اعمال این جلادان و دیو خفقان در مقابل مردم قرار داد.

در این زمینه، پیشنهاد میکنیم که نمایشگاهها و موزه هایی از جنایات رژیم پهلوی برای عموم مردم تشکیل یابد. در این نمایشگاهها باید دستگاههای «مدرن» شکنجه ای که مبارزان را توسط آنها تکه تکه و مثله میکردند، به آنها شوک وارد ساخته یا میسوزانند و دیوکیاب میکردند، در معرض دید همگان گذارده شود. باید عکسهای مبارزانی که در زیر شکنجه به شهادت رسیدند (و تمامی آنها در میان اسناد ساواک موجود است)، گزارشهایی که سگهای درنده ساواک در مورد شرح جنایات خود به روسای خویش داده بودند، فیلمهایی را که جانیان ساواک از جریان شکنجه و قتل مبارزان تهیه کرده اند (و در میان اسناد بیجا مانده ساواک موجود است) و فیلمهایی که در جریان دادگاههای انقلاب از چگونگی شکنجه ها از زبان زندانیان شکنجه شده یا مادران مبارزان شهید شده، در معرض دید همگان گذارده شود. مقامات مسئول موظفند با اتخاذ تدابیری درهای زندانها، شکنجه گاهها و سیاهچالهای رژیم پهلوی را بر روی مردم بکشایند و ماهیت واقعی این رژیم را بشکلی ملموس در مقابل دیدگان مردم قرار دهند. باید مردم درک کنند که فرزندان آنها در چه شرایطی و در مقابله با سلطه چه درخمانی مبارزه میکشیده اند. هر قدر این افشاگریها بیکسرتر و کاملتر انجام گیرد، مبارزه توده های مردم با بقایای رژیم پهلوی نیز آگاهانه تر و قاطعتر خواهد بود و امکان بازگشت چنان شرایطی نیز کمتر خواهد شد.

در بازداشتگاههای مرگ، در بوخوالد و آشویتس و غیره... در همان مکانهایی که فاشیستها اردوگاههای اسیران و کوره های آدمسوزی بپا کرده بودند، سالهاست که نمایشگاهها و موزه هایی از جنایات آنان برپاست. کوهی از کفشهای کبود کانی که آنها را نابود کردند، موی زنهائیکه آنها را زنده زنده میسوزانند، فیلمهایی که فاشیستهای آلمانی از جنایات خویش تهیه کرده بودند، همه و همه در مقابل انظار همگان است تا مردم بدانند که فاشیسم چیست، تا همواره قلبشان مملو از آگاهی، نفرت و خشم نسبت بآن و بانیان آن باشد. مردم ایران نباید ایام تیره و خفقان بار تسلط رژیم پهلوی را فراموش کنند، همانگونه که مردم جهان نیز اجازه ندارند و اجازه نمیدهند فاشیسم هیتلری، که دنیا را بکام جنایات خویش کشاند و دهها میلیون کشته برجای نهاد، به فراموشی سپرده شود. آزادی آنها گام خدشه نا پذیر و استوار میشود که عمق خفقان و استبداد از یادها نرود. متأسفانه دولت موقت و مقامات مسئول تا کنون کمتر باین خواست و ضرورت توجه کرده و در مورد افشاء جنایات رژیم گذشته قاطمیت و بیگیری لازم از خود نشان نداده اند. به همین دلیل ما خود را موظف میدانیم مصرا نه بروی این امر تکیه کنیم، زیرا تربیت توده مردم با روحیه ضد اختناق و ضد استبداد، بدون افشاء کامل جنایات رژیم فاشیستی پهلوی امکان نخواهد داشت.

غیر ضرور و دارو هائی که مشابه آنها در داخل کشور موجود است، پایه ریزی صنایع تولید وسائل پزشکی و بی نیاز کردن کشور از واردات وسائل گران قیمت از کشورهای امپریالیستی.

۲- مرحله ملی اعلام کردن طب:

پس از مرحله اول و پس از آماده شدن زیر بنای مادی و فنی، باید طب را ملی اعلام کرد. بان معنی که همه مؤسسات، بنگاهها و وسائل و خدمات بهداشتی، طب پیشگیر و درمان باید با مالکیت همه خلقی در آید. بدون شك این برنامه بدون همکاری در رشته های مختلف علم و صنعت و آن مؤسسات و ادارات دولتی که فعالیتشان بنحوی با امور بهداشت عمومی و پیشگیری از بیمارها برخورد میکند و بخصوص بدون جلب همکاری پزشکان زحمتکش ممکن نیست.

برای جلب این همکاری باید نمایندگان توده زحمتکش پزشکان را بطور فعال در برنامه ریزی و تصمیم گیریها شرکت داد. وجود يك سازمان صنفی و همگانی پزشکان میتواند باین همکاری کمکهای ارزنده ای بکند. از هم اکنون باید بناد بر پایه همکاری صادقانه و دوستانه مقامات دولتی با کادرهای پزشکی و بخصوص اکثریت قریب با اتفاق پزشکان، که جزء قشرهای زحمتکش جامعه اند، گذاشت. رژیم فاسد پهلوی به پیروی از سیاست اختلاف بیانداز و حکومت کن، رابطه بین پزشکان و بیماران را مسموم کرده بود و میخواست با ایجاد تضاد های مصنوعی و غیر واقعی و بیجان هم انداختن گروه های مختلف زحمتکش، عمر رژیم پوسیده خود را طولانی تر کند. ما معتقدیم که اکثریت پزشکان و سایر کادرهای پزشکی جزء زحمتکش ترین قشرهای جامعه اند. هیچگونه تضاد منافعی اصولی بین آنها و سایر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه موجود نیست و به همین دلیل جلب همکاری آنها برای ساختن سیستم طب ملی هم مفید و هم کاملاً ضروری است.

ما میگوئیم در شاندهای آینده درباره هر کدام از نظریات و پیشنهادهایی که در این نوشته آمده است، توضیحات بیشتری بدهیم.

هدف اصلی کنفرانس توکیو چیست؟

گردهمایی سران هفت دولت صنعتی غرب ، روز جمعه ۲۹ ژوئن ، با انتشار اعلامیه مشترکی که بقول روزنامه لوموند با «روش متعادل و آرزوهای مختلف» تنظیم شده بود ، پایان یافت .

آمریکاییها و ژاپنیها قبول کردند که واردات نفتی خود را تا سال ۱۹۸۵ محدود سازند . از طرف دیگر اروپائیان ، که هفته قبل از تشکیل کنفرانس توکیو واردات نفتی خود را در یک گردهمایی در استراسبورگ سهمیه بندی نموده بودند ، قول دادند که این سهمیه بندی را به تفکیک کشور انجام دهند . بعلاوه برای پیدا نمودن انرژی جایگزینی برای نفت ، هفت دولت متعهد شدند که تولید این انرژی را افزایش دهند . تولیدات ذغال و هم چنین انرژی اتمی مورد توجه قرار گرفت . اما این تصمیماتی که گرفته شد ، ظاهر قضیه است .

برای بی بردن به کله مساله باید کمی عقب برگردیم ، یعنی به سالهای بعد از جنگ دوم . پس از این جنگ جهانی ، ایالات متحده آمریکا همچو غول آسیای خود را بیازارهای کار و مصرف و مواد اولیه ، که قبلا در انحصار استعمارگران اروپایی قرار داشت ، شروع نمود و از این طریق سعی کرد که تسلط سیاسی ، اقتصادی ، مالی خود را بر اروپا و دیگر مناطق جهان گسترش دهد . دولت ایالات متحده آمریکا ، بهانه تجارت آزاد و سیاست درهای باز ، توسعه نفوذ مالی و اقتصادی خود بر جهان را در سر داشت . در واقع دولت آمریکا ، در پی دسی که تر استهای این کشور از بحران عمیق اقتصادی ۱۹۲۹ گرفته بودند ، تصمیم به توسعه ایجاد و حصر و بیرحمانه صادرات خود - به قیمت که بابت گرفته بود . اما از یک طرف با واکنش کشورهای اروپایی و از طرف دیگر با مبارزات استقلال طلبانه کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین روبرو شده بود . برای نجات از این بن بست بود که طرح مارشال و اصل چهارم ترومن ، همراه با کمکهای نظامی ، وامهای طولی المدت و حتی وامهای بلاعوض بوجود آمد . بدین ترتیب ایالات متحده آمریکا توانست در سایه «سیادت خود بر جهان» ، دلار را بعنوان یک وسیله پرداخت بین المللی - همپراز طلا - در سیستم تجارت بین الملل وارد نماید . آمریکا از این موقعیت برای خرید شرکتیهای اروپایی و استقرار اقتصادی خود در اروپا نیز سوء استفاده نمود .

هنگامیکه ایالات متحده آمریکا دچار بحران اقتصادی و مالی شد ، برای حفظ «سیادت و برتری» خود ، دست به چاپ دلار زد و بدین ترتیب تمام پرداختهای خارجی خود را با دلار کاغذی ، که هیچ پشتوانه ای نداشت ، میپرداخت . در نتیجه بیش از ۶۰ میلیارد دلار کاغذی در مدار اقتصادی جهانی دست بدست میگشت ، پدیده ای که آنرا دلارهای اروپایی نامیدند . باید اضافه کرد که «اروپائیان جنتملن» قول داده بودند که هیچوقت در مقابل این دلارهای کاغذی مطالبه طلا از آمریکا نکنند . این شگردها و شعبده بازیها برای نجات تجارت بین المللی ، سیستم پولی بین المللی و بطور خلاصه سرمایه داری محض غرب و در رأس آنها آمریکا تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت . در این سال دنیای سرمایه داری با یک سقوط ناگهانی رشد بازرگانی بین المللی روبرو گردید ، بشریایی که این نرخ رشد ، که در سال ۱۹۶۹ بالغ به ۱۰٪ بود ، در این سال به ۵/۵٪ رسید . در همین هنگام نیکسون ، با اعلام کاهش ارزش دلار ، عدم وابستگی آن به طلا و اتخاذ یک سری اقدامات گمرکی حمایتی ، در حقیقت به اروپا و ژاپن اعلام جنگ داد . جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ و بدنبال آن افزایش بوسابقه قیمت نفت ، ضربه دیگری بود بر اقتصاد اروپای غربی و ژاپن . اما در این میان ملل محروم و ستم دیده سه قاره آفریقا ، آسیا و آمریکای لاتین نیز بیکار ننشسته بودند و مبارزات شدیدی را برای استقلال و بهتری زیستن و رهایی از زیر یوغ امپریالیسم آغاز کرده بودند . نگاهی به مبارزات آزادیبخش ملی در سراسر جهان ، که انقلاب بزرگ ایران نمونه بارز آن است ، گویای این حقیقت است که امپریالیسم بوحشت افتاده سعی میکند ، «فلا» تضادهای درونی خود را کنارگذارد و برای سرکوبی خلفهای بها خاسته متحد شود .

کنفرانس توکیو را نیز دقیقا باید در چارچوب این «سیاست اتحاد امپریالیسم بر ضد جنبشهای آزادیبخش ملی» تحلیل و بررسی کرد . این کنفرانس اولین یا آخرین نوع این گردهماییها نیست . از کنفرانس رامبوویه ، که در سال ۱۹۷۴ در فرانسه تشکیل گردید ، تا بحال چند کنفرانس از این نوع تشکیل شده است . اگر به یکی از جملههای زیرسکاردستن ، که در کنفرانس رامبوویه بیان کرد ، توجه کنیم ، به کله این مساله پی خواهیم برد . وی گفت : «هدف از این گردهماییها اینست که بنوعی همکاری واقعی بین سیاست کشورهای اروپایی ، آمریکا و ژاپن دست یابیم .» اما منظور از این «همکاری واقعی» چیست؟ مسلما نوعی کنار آمدن در غارت منابع طبیعی و ثروتهای ملی کشورهای «جهان سوم» .

کنفرانس ژاپن ، که بیشتر تکیه بر روی انرژی داشت ، نیز نتوانست ظاهر را حفظ کند و حمله شدیدی ، از نوع حملاتی که همیشه سرمایه داری امپریالیستی به کشورهای تولید کننده مواد خام میکند به کشورهای اوپک نمود و آنها را باعث وبانی وضعیت وخیم اقتصادی که سرمایه داری امپریالیستی با آن دست به گریبان است ، دانست و به آنها هشدار داد که : افزایش قیمت نفت باعث تورم و رکود اقتصادی در غرب خواهد شد . اما میدانیم که افزایش قیمت نفت نه تنها دلیل

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره تظاهرات و راهپیمایی سه شنبه
حزب جمهوری اسلامی ، از همه نیروهای اسلامی و ضد امپریالیستی دعوت کرده است که در روز سه شنبه ۲۶ تیر ماه ۱۳۵۸ در یک راهپیمایی برای ابراز وحدت نیروهای خلق در دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب شرکت کنند .
با کمال تأسف ، حزب جمهوری اسلامی اعلام داشته است که نیروهای شرکت کننده در این راهپیمایی ، هیچگونه نشان و شعار کی که معرف احزاب ، سازمانها و گروهها باشد ، همراه نیاورند . در حالیکه به نظر حزب توده ایران اتفاقا برای بیان اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیست ، صحیح تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شعار خود ، زیر یک شعار واحد ، یعنی **دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب** در این راهپیمایی شرکت میکردند .
در حال ، حزب توده ایران به پیروی از منشی اصولی و بی گبیر خود ، باردیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک به منظور تأمین استقلال ملی ، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک ، برای سالم سازی و نوسازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی زحمتکشان اعلام میدارد .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۴/۲۴

بقیه از صفحه ۲ باتوطئه ضد انقلاب در خوزستان ...

سخن میگوید ، از سوی دیگر شیخ عیسی خاقانی ، برادر حضرت آیت اله شیر خاقانی ، که با امامزاده مقامات دولتی مذاکره کرده است ، ضمن مصاحبه ای - منتشر شده در روزنامه اطلاعات - گفت که : خوزستان در حال انفجار است و باید هر چه زودتر اختلافات را حل کنیم . وی اهمیت منطقه را از نظر مرزی و از نظر نفتی خاطر نشان ساخت .
درواقع هم اکنون ، هر نیروئی که مستقیما دست نشانده شاه سابق و عمالش نباشد ، مستقیما با ساواک و سیا آمریکا و موساد اسرائیل مربوط نباشد نا آگاهانه به دام توطئه های این دشمنان خلقهای مانیفتماده باشد ، باید در دست همینطور که وی گفته ، عمل کند . یعنی بکوشد تا هر چه زودتر اختلافات حل شود و جلوی تحریکات و اقدامات ضد انقلاب ، که دارد اوج میگردد و وضع خوزستان را بحالت انفجاری در آورده ، گرفته شود .
این لوله ترکاندها ، ایجاد حریقها ، تیراندازیها ، جلوی آب کشن آنها را گرفتن ، تهدید به گروگان گیری و تهدید به اعدام ، آتش سوزی انبارها و ازسوی دیگر دسته بندی با ضد انقلابیون در لباس کمیته و مظاهر باسلام ، ایرانی عرب را در مقابل ایرانی فارس قرار دادن تا امپریالیستها و سرمایه داران بزرگ وابسته و عناصر ضد خلقی سود ببرند و اوضاع را بر وفق مراد خویش بیایند ، عملی است که بهر بهانه وزیر هر چه و هر نام انجام

تورم در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی نیست ، بلکه این افزایش خود معلول سیستم سرمایه داری امپریالیستی است . باید در نظر داشت که این افزایش قیمت نفت حتی جبران نیمی از افزایش قیمت کالاهای صنعتی کشورهای امپریالیستی ، که کشورهای اوپک وارد کننده آنها هستند را نمیکند . در این مورد حتی گال برایت اقتصاددان آمریکائی ، در سال ۱۹۷۵ اعلام نمود که علت اصلی تورم در کشورهای اروپا ، آمریکا و ژاپن ، افزایش قیمت نفت نیست و نفت در حدود ۲/۵٪ در تورم غرب سهم بوده است . بدین ترتیب تلاشهای مذبحوحانه دول امپریالیستی برای نجات سرمایه داری آشکار میگردد .

سرمایه داری جهانی با بحران عظیم و بیسابقه ای دست به گریبان است . البته این بحران با «بحرانهای ادواری» که مارکس آنها را پیش بینی کرده بود ، تفاوت دارد ، ولی ماهیت آن یکی است . اتخاذ سیاستهایی همانند سیاستهای کنفرانس ژاپن ، هر چند میتواند مسکنی برای دردهای علاج ناپذیر سرمایه داری باشد و سقوط آنرا بتعمیق اندازد . اما ازحالا میتوان گفت که تضادهای ذاتی سرمایه داری امپریالیستی را حل نخواهد کرد . حتی بازار مصرفی ۹۰۰ میلیونی چین نیز ، که در نتیجه سیاستهای مخرب مائوئیستها در اختیار سرمایه داری امپریالیستی قرار گرفته است و ظاهرا در کنفرانس توکیو برسر «تقسیم عادلانه» آن توافق شده است ، نیز علاجه برای این سیستم منسوخ نخواهد بود .

بزرگداشت رفیق قدوه ...

اینک کنار تو هزاران قدوه جوان آگاه و معتقد با شوری آتشین با عزم آهنین مبارزه را دنبال میکنند

مراسم بزرگداشت رفیق محمدرضا قدوه . عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، پنجشنبه گذشته در دانشگاه صنعتی برگزار شد .

در این مراسم ، اعضاء ، هواداران و دوستان حزب توده ایران و سایر عناصر ترقیخواه ، با شرکت وسیع خود ، قدان یکی از گرانقدرترین اعضای قدیمی حزب توده ایران را گرامی داشتند و در شمارهای پر شور خود ، اعلام کردند که مبارزه این یار وفادار و مبارز حزب ما را ، درستگر حزب توده ایران ، ادامه خواهند داد .

ساعت ۷ بعد از ظهر ، بایک سخنرانی در حزب توده ایران ، مراسم آغاز شد . در جایگاه هیئت رئیسه ، رفقا ، منوچهر بهزادی ، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی ، رضا شلتوکی و اسماعیل ذوالقدر اعضای هیئت سیاسی کمیته مرکزی و بهرام دانش ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران ، همسر و دختر رفیق فقید محمدرضا قدوه در جملات پرمعنا و سیاه دیده میشدند . بعد از پایان سرود ، رفیق دانش ، از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران ، سخن گفت . رفیق دانش پس از بیان خلاصه ای از زندگی و مبارزه رفیق قدوه گفت :

رفیق قدوه این خوشبختی را یافت که از مهاجرت به ایران بازگردد ، نخستین مرحله پیروزی انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما را ، به چشم خود ببیند . و نیز ببیند که حزبی ، حزب توده ایران ، همچون مرغ آتش از جهنم رژیم سفاک پهلوی گذشته و اینک پسر میکشاید و در راه پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران ، در راه انقلاب ملی ، دموکراتیک و خلقی ایران ، با ذر صفوف مقدم جبهه مبارزه خلق قرار گرفته است .

سخنان رفیق دانش که چندبار با شمارهای :

- توده ای قهرمان ، راهت ادامه دارد - درود بر کمیته مرکزی حزب ما

قطع شده بود . با این سخنان پایان گرفت .

هما یکی از بهترین فرزندان حزب توده ایران را در چهره رفیق محمدرضا قدوه از دست داده ایم . ما در اینجا گرد آمده ایم تا خاطره نیروبخش او را گرامی داریم . این خاطره هرگز در قلوب همزمان او محو نخواهد شد . نام او در دفتر تاریخ حزب توده ایران جاودانه ثبت خواهد بود . من اجازه نمیخواهم از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران در گذشت رفیق عزیز قدوه را به خانواده او ، به دوستانش ، به همه توده ایها از صمیم قلب تسلیت عرض کنم .

پس از پایان سخنان رفیق دانش ، اسامی گروههایی که به مراسم پیام فرستاده بودند ، توسط رفیق بهزادی بشرح زیر خوانده شد .
● فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران
● در آذربایجان

- سازمان حزب توده ایران در اراک
- هواداران حزب توده ایران در سمنان
- هواداران حزب توده ایران در سنندج
- هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین
- هواداران حزب توده ایران در کرمانشاه
- هواداران حزب توده ایران در ماسال
- هواداران حزب توده ایران در شهری
- دانش آموزان هوادار حزب توده ایران
- دبیرخانه مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

ایران

- ایالتی آذربایجان
- جوانان و دانشجویان دمکرات بندر انزلی
- جوانان و دانشجویان دمکرات کرج
- دانشجویان دمکرات مرکز پزشکی فیروزگر
- آنگاه دختر رفیق فقید قدوه ، در میان احساسات پر شور حاضران ، شمری را خواند که چند بند از آن را میآوریم :

آری پدر تونیز

آسوده باش ، آرام گیر

راه تو را همه دنبال میکنیم

با عزمی استوار

در راه آرمان بزرگ تو ای رفیق

با دشمنان خلق

پیکار میکنیم

این کاروان به منزل مقصود می رسد

پیروز میشویم .

چراغ سبز آمریکا و مصر

یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین ضمن سخنرانی در مراسم افتتاح سومین کنفرانس اتحادیه معلمان فلسطین اعلام کرد که اگر آمریکا دست به اشغال جساهای نفت خاورمیانه زند ، وی علیه منافع این کشور در جهان عرب اقداماتی بعمل خواهد آورد .

عرفات همچنین موکداً اعلام کرد : ما اگر دینامیت نداشته باشیم ، کاربرد کبریت نیز برای ایجاد حریق کافی تواند بود . ابوعمار سبیس تأکید ورزید که آمریکا و مصر برای قطع و قطع مملت فلسطین در جنوب لبنان فرمان سفید مهر در اختیار اسرائیل قرار داده اند .

زنگار!

چشمان گشود باید و
شد بیدار،
دستان گشاد باید و
شد حاضر،
کاین خصم زخم خورده بسی وحشی است!
زنجیرها برتن او باید
کوبنده تر ز پیش فرود آورد!
باید گمان نبرد که این خونخوار
بر یورش شبانه ندارد قصد!
با این خیال خام که او مرده است.
یا از تلاش و توش و توان رفته است.

زنگار!
ای رفیق شب بیدار!
در این سحر دوباره نباید

باز
ره بر فصول تیره دهشت داد!

م. شباهنگی

۱۰ تیرماه ۵۸

نگاهی به نمایشگاه نقاشی فرح نوتاش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران همراه مردم از اوج اختناق تا انقلاب



«جمعه سیاه»

رکس، نیایش شبانه، عمران نمرده است، آغاز و ... نمایانگر مختصات پرش زمانی دوم است. یک نمونه از هر دوره را برمی گزینیم!

«کارسیاه»، نمونه‌ای از دوران اول، زندگی خاکستری رفتگرانی را مطرح می‌کند که در دل شب تیره، در سایه روشن چراغهای مهتابی، شهر را از زباله پاک می‌کنند و خود در بدترین شرایط می‌برند. چهره‌های خاموش و سنگین رفتگران، که در حالت‌های ایستاده تصویر شده، چشمهای بی‌حرف و دوخته شده به سیهایی رنگهای خاکستری-آبی، آبی-سیاه، با کمی سفید، از طرفی سنگینی شب و از سوی دیگر زندگی آنان را القا می‌کند.

«جمعه سیاه»، از سری دوم، اوج حماسی یک بیان پلاستیکی است، زن و مردی در پیش یک گریز، با تمامی خشم، کین، نفرت، ناباوری، ادراک و اراده در برابر مصیبت‌بارترین حادثه زندگیشان قرار گرفته‌اند؛ کودک مصومشان با مشت‌های کوچکی که هنوز گلهای تازه‌ای را در خود محکم گرفته، شکار سفاهی دژخیمی که با فرمان قتل عام مردم» به «میدان شهدا» فرستاده شده بودند، شده است. دهان به فریاد خشم گشوده زن، این فاجعه را انکار می‌کند و چشمهای سرشار از نفرتش، در باوری دردناک، عقیق آنرا دریافته است و با این حال هر دو مصممند، مصمم به ادامه راه برای تهیه آنبوه مردمی که آماج توپ‌های پرچم آمریکاپوش سربازان گارد جاویدان قرار گرفته‌اند. زن جسد خونین کودک را با دستهای عاصی، به آسمان بلند کرده تا یک بار دیگر سند جنایت پهلوی را به همه نشان دهد. این کنار سرباز قهرمانی، که از تیراندازی به مردم سرباز زده است، هم‌چنان در خون خود غلت می‌زند. آن روز بسیاری شاهد بودند که با اولین «نه» سرباز، چگونه گلوله سرپرغورش را از هم شکافت و از مغزش گل خونین شکفت. آسمان اندوهبار، هم‌پای حس مردم، خشم خود را در آذرخشی دیرپای گنجانده و هم‌الآن است که خروش بی‌تابانه خود را آغاز کند و همدما با فریاد زن و هم‌اراده با تصمیم مردم، زمین و زمان بیدادگری را درهم بکوبد. این سری از آثار فرح نوتاش به خاطر آهنگ پویا، ترکیب‌های تازه‌ای از رنگ و به کارگیری درونمایه‌ای بکلی تعیین کننده در پرداختن احساس با نگرشی منطقی-که از نوازش کردن عاطفه بیننده بسیار فراتر می‌رود- کارهایی هستند بکلی متفاوت، که این و آن ضعف و کاستی را سراسر تحت الشعاع قرار می‌دهد.

دوره از کارهای دور و نزدیک فرح نوتاش در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نمایش درآمده است. درنگاهی کلی به این نمایشگاه باید گفت: نه تنها دستمایه هر یک از سری‌های کارهای نوتاش آئینه تمام قد واقیبات در گذر دوران سیاه اختناق محمد رضاشاهی است، بلکه شیوه پرداخت او نیز، در پیوندی تنگاتنگ با محتوای اثر، از چند و چون فضای حاکم خبر می‌دهد.

سری کارهای آغازی با خورشید بهترین گواه این ادعاست. درخت‌ها اما، با آب خوردن از زمین چشمه، بارمفهومی دیگر را بردوش دارند و اینکه در این سری کارها، نوتاش با تکیه بر تئوری علمی تاکید می‌ورزد که برای دگرگون ساختن جامعه، شرایطی لازم است که بی‌وجود آنها هر تلاشی محکوم به شکست و هر کوششی عبث خواهد بود. پیش از آن‌گرمه، با از خود گذشتگی خود، بی‌حمایت توده و بی‌جمع بودن شرایط، کاری از پیش نخواهند برد و در یک کلام، دگرگون ساختن جامعه کاری نیست که از دست من و تو می‌آید.

کارهای جدید نوتاش را میتوان به دو دسته تقسیم کرد، سری کارهایی که با تجسم بخشیدن به این شالی‌کار و آن رفتگر به مطالعه انسان و رابطه اش با اجتماع می‌پردازد و دیگر آثاری که در دوران به ثمر رسیدن انقلاب شکوهمندمان با دستمایه قرار دادن این و آن «حادثه تاریخی»، رد انقلاب را دنبال می‌کند.

شالی‌کاران، کارسیاه، چهره یک رفتگر از جمله آثار دسته‌آزیند. کارهای گروه دوم که اشکال گوناگون مبارزه مردم علیه امپریالیسم و استبداد را بازتاب می‌کند، در دو بخش خلاصه میشود، هنگامی که در شرایط انقلابی، فراهم نبود، این و آن مبارز و با آب خوردن از چشمه آید و گلوله‌های گوناگون، به مبارزه برخاستند و زمانی که موج اعتراض نارضایتی توده‌گیر شد، تمامی مردم را در بر گرفت، آنها را یک پارچه کرد و زلزله وار بنیان «کاخ» را درهم ریخت.

اعتصاب کارسان ۴۵، تدریس انقلاب سفید، محکومیت ۱۰ ساله، برابری در اعدام، مامورین پدرا بردند، تصویرگر شرایط پرش زمانی اول و شب‌های شهر، اتحاد در گرسنگی، آزادی زندانیان سیاسی، جمعه سیاه، ۱۷ شهریور، آفیش سینما

نامه تسلیمت کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت درگذشت رفیق محمد رضا قدوه

رفقای عزیز!
با اندوه بسیار از خبر درگذشت رفیق، محمد رضا قدوه، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، اطلاع یافتیم.

نام رفیق محمد رضا قدوه، بعنوان یک کمونیست قدیمی ایرانی و یک مبارز راه صلح برای کمونیستها و ترقیخواهان عراق آشناست. بویژه مبارزان راه صلح هرگز فعالیت‌های خستگی‌ناپذیری را برای پیروزی این امر مقدس فراموش نمی‌کنند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق از جانب همه کمونیستها و ترقیخواهان عراق خود را در این اندوه بزرگ با حزب توده ایران شریک میدانند و تردید ندارند که حزب برادر توده ایران با تشدید مبارزه خود در راه حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران، جای‌خالی رفیق ارجمند محمد رضا قدوه را پر خواهد کرد.

با درودهای برادرانه
کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
۸ ژوئیه ۱۹۷۹

۳ هزار راننده تاکسی، هیئت مدیره شرکت تعاونی خود را انتخاب کردند

پیش از سه هزار راننده تاکسی عضو شرکت تعاونی تاکسی-رانان، برای انتخاب هیئت مدیره تعاونی خود اجتماع کردند. این اجتماع روز جمعه ۲۲ تیر در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی تشکیل شد.

در ابتدای جلسه، مشیری، مدیر عامل پیشین، گزارش فعالیت‌های هیئت مدیره را قرائت کرد و در پایان رانندگان آراء خود را به صندوقها ریختند. ۱۷ نفر برای عضویت در هیات مدیره، هیات بازرسی و اعضای علی‌البدل از سوی انجمن اسلامی رانندگان و هیات مؤسس شرکت تعاونی نامزد شده بودند.

گروهی از شرکت کنندگان در اجتماع رانندگان تاکسی، خواستار عضویت «آخوندی»، نماینده امام، که در هیات مدیره قبلی شرکت تعاونی تاکسیرانی عضویت داشته بودند.

آنها در گفتگویی به خبرنگار «مردم» گفتند که میخواهند آخوندی، مدیر عامل اسبق، که توسط امام منصوب شده بود، از جانب هیئت مدیره جدید، در پست قبلی خود ابقا شود. آنها

معتمد بودند که آخوندی در مدت کوتاهی که در پست مدیریت عامل قراردادش، خدمات ارزنده‌ای به آنان کرده است، از جمله به آنان وام داده تا قرضهای خود را بپردازند و در عوض آنها این وام را در اقساط چند ماهه به صندوق تعاونی بازگردانند، با ممنوع- فروش کردن تاکسی‌های نوبت یکسال، دست بنگاهها را کوتاه کرده ۳۶۰ میلیون تومان سرمایه تعاونی را در اختیار گرفته و اقداماتی در زمینه ساختن مسکن برای رانندگان انجام داده و غیره گروهی از رانندگان هم با انتخاب مجدد آخوندی مخالفت میکردند و معتقد بودند که او عضو شرکت تعاونی تاکسیرانی نیست.

در این جلسه، گروهی از رانندگان بدون دادن رأی جلسه را ترک کردند.

شمارش آراء، عصر جمعه آغاز شد و در نتیجه، احدی، غلامی، حکیمی، جمالی و تهرانی به عضویت هیات مدیره، همدست پور، رها دست و رحیمیان به عضویت هیات بازرسی انتخاب شدند. متادی و ظفری هم به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب شدند.

هجوم مجدد عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت

ساعت ۵ صبح ۲۳ تیر ماه بازم عده‌ای از عناصر مشکوک به دفتر حزب در رشت حمله کردند و شیشه‌های عمارت را شکستند و فرار کردند.

روز قبل نیز، هنگامی که آقای به آذین، دبیر کل اتحاد دمکراتیک مردم ایران قصد سخنرانی در دانشگاه گیلان را داشت عده‌ای از عناصر مشکوک به سالن سخنرانی هجوم بردند، شیشه‌ها را شکستند و پوسترها، روزنامه‌ها و کتابها را پاره کردند و بدین ترتیب مانع انجام سخنرانی شدند.

با توجه به اینکه همین چند روز پیش امام خمینی مؤکداً همه را از این هجومها، برخوردارها و درگیرها بر حذر داشتند، کاملاً آشکار است که این قبیل اعمال از جانب هر کس و بهر بهانه و تحت هر عنوان انجام گیرد، یک عمل ضد انقلابی است.

ماضن اعتراض شدید به این اعمال ضد دمکراتیک، مصرانه خواستار شناسائی، تعقیب و مجازات عاملان این اقدامات ضد دمکراتیک هستیم.

تصحیح يك اشتباه

بدرخواست دوستان، قبلاً سرود حزب توده ایران را چاپ کردیم. متأسفانه اشتباهی در سطر بیست سرود روی داده است. با یوزش، خواستار تصحیح آن هستیم. بجای «صاحب خاک پاک میهن»، باید خوانده شود «صاحب اصلی خاک میهن».

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.
نشانی،
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن،
۹۳۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

به بازماندگان

مقتولین حادثه

خونین گومسار

صمیمانه تسلیمت

میگوئیم

در حادثه مرگبار قطار تهران - مشهد، که روز پنجشنبه بین ایستگاههای کویر و ابژور روی داد- و علت آن هنوز دقیقاً روشن نیست- تعداد زیادی کشته و زخمی شده‌اند. ما به بازماندگان مقتولین صمیمانه تسلیمت میگوئیم.